

۱۰۸۹۲

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب مجتبی‌الامالی المخرجه من المیزان علی بن ابی طالب

مؤلف: حضرت دولتمدار امام محمد باقر علیه السلام و جعفریه و ده
موضوع: قواعد و اصول فقهیه از نظر تفسیر و تخریج حدیث از کتب معتبره

۱۱۹۵۲



شماره ثبت کتاب

۸۷۳۳۱

خطی «فهرست شده»

۱۱۹۶۲

نام کتاب لائله المحروقه

۱۵

بازرسی شد
۶ - ۳۷

بازدید شد
۱۳۸۴

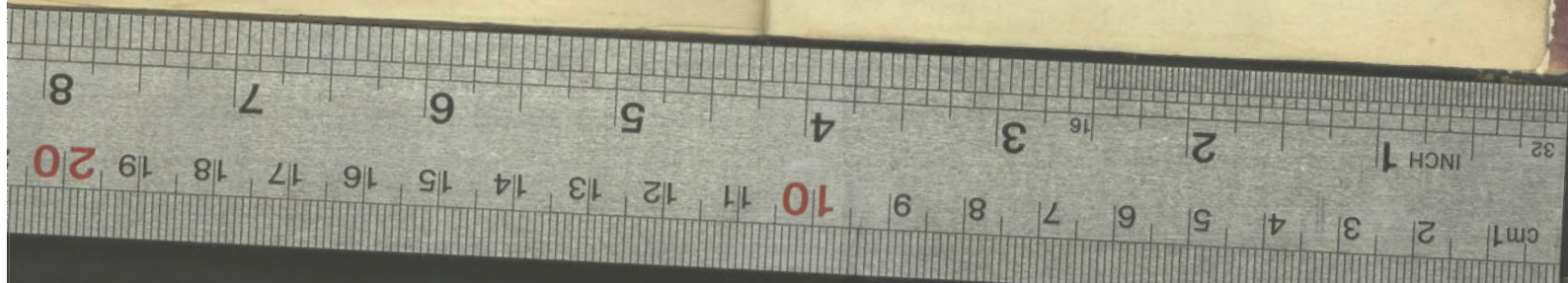


۱۰۸۹۲

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير
 خلقه محمد وآله اجمعين **اما بعد** اني سر است
 شتر بر حق و خد بجهت توسعة رزق و تداكيري و دفع
 فقره و دفع اعداء و سحر و دلا و ديون و شفا و سحر
 و محفوظ بودن از بليات و اخلاص و حبس و جوع و تشنگي
 برابر آردن همات و حواكج و مراد است و دعا نامي معتبر
 در ديت شراره عباد و محمد و آلش منقذ است از قضا
 و عدول و غمخوارند بجزايم تجربه در امتحان و آن شمس است
 باب دكبر خاتمه است **باب اقصي** در بيان جهتها
 سريع الله جابه بجهت توسعة رزق و تداكيري است و ان
 و كونه

و هفت ختم باشد الدال ختم لين آيه شريفه است و ۲
 و من ثين الله يعجز له محجبا و يزرقه من حيث لا يحتسب
 و من يوكم الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد علم الله
 الاكثري فورا و ختم لين آيه شريفه از جهت كثرت رزق
 و بسيار رسال و زيادتي سالان و جمعيت رسيدن مال
 و سال و متاع دنيا و غير ذلك از امور دنيا و آخرت
 حجر است و از اسير المؤمنين عليه السلام مرست و جمع كثير
 و هم غفير از عا شر بجهت بفرقه و طريقه انيقه آن باين نوع است
 و ابتدا از ختم آن بايد روز جمعه يا پنجشنبه يا شنبه
 بهتر از جمعه و شنبه است تا چهار روز هر روز يك صديقه
 و نه مرتبه بخواند و در روز چهارم بدو نيز يك و بهتر آن است
 و بعد از نماز صبح بخواند و در روز چهارم يك صديقه و نه مرتبه
 مرتبه



مرتبه بخلاف مرتبه علقه باشد مجموع شش هزار
 و سیصد و شش مرتبه شود عدد مجموع آیه شریفه است
 البته بعد از خواندن یا در شامی خواندن ابراب فتح
 و فیروز و مقصود بر سر او که بشود و در ابتدا از تحمیل
 از کفر قضای حاجت و استجابت دعوت بعد آورد
 و هر گاه نماز حاجت و صد بار صلات ایضا بعمل
 بیاورد و بنیت صلاه عقاد درست و هر جمع آید
 بخلاف دوعا کند در جانب قاع رخت چندان مال با دلکوت
 فریده از حساب عاقل آید و در سه اول است به تا
 فتح است و در روز چهارم تمام شود باز یکصد مرتبه صلات
 بفرستد و اگر در سه اقامه مراد صد شد در سه شنبه
 و نیت مقصود است و اگر ایضا ایضا در شام
 بفرستد

چهار روز فتح نشود ختم از سر کرد و نیت سه تا ایستاد
 و بدون شبهه در ختم ثانی مراد صد است و بعضی
 از علما گفته اند که جار خودت ختم بیا کنند و با صدی
 تقم کنند و پشت سر هم نظر کنند و در آخر ختم یعنی
 بعد از روز چهارم باز صد مرتبه صلات فرستد و این طریقه
 سه بار در خط علقه مجلسی از فضل الله شریفین و فخر
 العلماء و المجتهدین از غنم مدح فرموده الرحمة نقاشه و این
 ختم اگر با شرایط خوانده شود از جمله حجرات و کجاست
 غریب در خصوص این آیه صاحب تاریخ فرج بعد از
 شدت فقر کرده هر کس غنیمت باشد با نجا
 رجوع کند الشانی جبهه محبت و الفت و الهاد
 رزق از برای رفعت دینی و اخروی و طلب حاجت

بغیر

و منصب و بزرگی و محبت سید طین و عقد الشان
 امر او و زاده هر روز هزار و یکمرتبه بخواند الله لطیف عباد
 برزق من بشار و هو القوی الغریز و اهر خواص گفته اند
 اگر بعد و مذکور این آیه را بخواند البته روزی را جانی بود
 رسد و مکان داشته باشد و مکر تجربه بشود و در حقیقت
 معجزه بر او خطه شود هر که نظر بر حرف جید دارد
 بعد از آنکه باین صورت نوشته شده باشد الاله و نظر
 بحشم هداشته باشد و هر روز با وضو شستن و شستن
 مرتبه اسم الله را بخواند و بهمین عدد الله لطیف عباد
 برزق من بشار و هو القوی الغریز بخواند خداوند روزی
 گرداند از نیاز او توفیق طاعت و عبادت و برکت در روز
 او دامن گرداند بر اسرار فهمیدن امور مشکوک و شبهه را
 ازل

ازل او سرگرداند و از ظلم ظالمان او را ایمن گرداند و ع
 و هر چه طلب کند از خواج میرابد و بعضی گفته اند که باین صورت
 بنویسد و نظر کند **الح** الثالث روی جعفر بن محمد صادق
 انه من قرء هذا الدعاء و کتب بوم مائة مرة شهرين تقابین
 رزقه الله کسراً من المال و کثراً من العلم و هو منه الدعاء
 استغفر الله الذی لا اله الا الله هو الرحمن الرحیم الحی القيوم مدح
 السموات و الارض من جمیع جهی و ظلمی و السرانی غیسی
 و انوب الیه الرابع هر که اسم باد بآب را در آخر شب
 سر بر همه دو شمای برهشته صد بار بگوید خداوند درویشی
 از او رفع کند و حاجت او را بر آورد و هر چه بخواهد از حاجات
 مشر و عه استند نماید تسیر گردد و اگر صد و ستر مرتبه این
 اسم مبارک را باین طریقه بخواند بگوید در اثر آوی خواهد بود
 دال

خلف

و اگر الوهاب بدو نیاورد هم بگوید نرسیدی
 و هر کس در نصف شب شبانه در رکعت نماز کند و سجده
 بنماید و بگوید یا و تائب نو اگر بر ما به الحاح از حضرت
 رسیده است علیه و آله منقذ است هر که خواهد نوری
 بر وی فراج گردد و بانی مبدی باید هر چه را در دنیا
 اند عار است مرتبه بخواند و گویند آن خدا ز قبیله ده که فرزند آن
 خوانند این دعا بهفت لطن محتاج مخلوق کند و بعون آله
 قل یا الله یا الله یا الله یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب
 یا ذا الجلال و الاکرام یا سکت العظیم العظیم ان زرقی
 رزقاً و اسعاً حلاً طیباً بر حمتک یا رحم الراحمین ان ک
 هر که بخواند این آیات شریفه را افرام نماید و در روز
 فتح و نصرتی تازه و دولت و عزتی باندازه باوردی نماید

و هیچ آفت و مکر و هی بوز نرسد و هر کس این لایت ۸
 بابرکات و چهار روز هر روز چهار و یکبار بخواند بهر
 مراد مرد خواهد چهره شاد و خواص این لایت بابرکات
 بسیار است آیات مذکوره این است آیه اول این
 یقضم باقه فقد بدرا الا صراط مستقیم حمیم و لا تحب الله
 غداً عما بعد الظالمون سیم و ان تعدوا نعمة الله لا
 تحصوها ان الله لغفور رحیم چهارم و قضی ربک لا تعبدوا
 الا اياه و بالوالدین احساناً پنجم تنزیلاً من خلق الارض
 و السموات العلی الرحمن علی العرش استوی ششم و انک
 نقیر الغیزر العظیم هفتم ثم انوی الالهائم و هی و خان ه
 فقال لها و الارض انما طوعاً او کرهاً قال انما طاعتین ثم
 الا لا الله نصیر الدور ثم و ذلما و زرقکم و ما نوه و دن و هم

۹
 و من یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث
 لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
 قد علم الله لکھت شریفاً الی سبع آیات منوایات
 ثمانیة مفاتیح الجنان و صاحب الجنان است که بجات
 آن ابواب مرادات مفتوح شود و ملاوت آن موجب
 صفای روح و جدی روح گردد و کلام حق جبر و عده
 در برة کریمه حج هشت آیه است و پیوسته یکدیگر است
 و در زمین و تبرک هر یک یکدیگر بهتر است باز آیت
 در بهشت بدین سبب از مفاتیح الجنان خوانند یعنی
 کلید در ما آن و صاحب الجنان نویسند یعنی نوشتن آن در لکها
 مؤمنان و هر یک از این آیات شریف است به انواع ثنائیات
 و اصناف عطا و بخشایش حضرت حق سبحان و تعالی و الله

جمع

۱۰
 دین و اکابر اهل یقین رضوان الله تبارک و تعالی علیهم
 در جمیع اوقات مداومت نموده و چندین خواص
 و تیاک از آن دیرینه و بسیار حقایق و معانی از آن استنباط
 نموده از جمله آنکه عدد کلمات آیات مذکوره یکصد و
 چهار واقع شده و اثنارست یکصد و بیست و چهار
 پیغمبر چه بر نبی کلمه است چنانچه حق جبر و عده در کلام
 معلای عیسی و یحیی علیه السلام کلمه خوانند پس هر کس این
 آیات را بخواند از او روح صد و بیست و چهار هزار
 پیغمبر فیض یابد و آنکه چهار اسم از اسما و حنیفه
 از اسم ذات و صفات و مظهر و ضم در این آیات
 جمع است که اثنارست است بر تهنیت که هر که
 بخواند آن نماید بهر اسمی ملو و ارفع حجابی شود و دیگر آنکه

۱۱ هر آیتی بر چند نام بزرگ خدا تعالی ختم میشود و آیه آخر بر
 رؤف رحیم تمام میگردد تا مال همه بر جنت بهمه باشد
 و در تمام کلام الله چنین آیتی چند که ختم هر یک بر چند اسم
 از اسماء لطف بهمه باشد اتفاق بقفاده روایت کنند
 از ابن عباس رضی که گفته در تمام اطوار قرآن سیر کردم از آیات
 متوالیات بدین بزرگواری نیافتم در حضرت رسالت
 صلی الله علیه و آله از فضیلت این آیات پرسیدم فرمودند
 که این آیات هشت گنج از گنجهای الهی هستند
 از اسرار آفتابی و این آیات از اسم اعظم خالی
 نیستند هر کس بر قندوت این آیات مدد گوشت
 نماید از شر جن و مکر شیطان خلاصی یابد و ابواب از راه
 صورت مغفور بر او مفتوح گردد هرگز هیچ اندوهی و مکردهای
 روی

بوی نرسد و از سلاطین و اکابر دین نصرت یابد و هر چه
 رو آورد مطلوب او بوجه دلخواه پیشتر شود و از شر دشمنان
 و حاسدان ایمن باشد و جمیع جن و انس سخره دی گردد
 و در زینهار خدا و ملائکه بهمه و در جمیع اسفار از جمیع خطای
 امین گردد خصوصاً از سفر دریای که در سلامت محراب
 و نمیرد الا امر زنده و کارهایش نماند الا پندیده
 و بالله التوفیق طریقی خواندن آیات شریفه
 اینست که در اوقات نازده مرتبه یا الله یا الله بگوید بعد از آن
 اسمی مبارکه که در عقب آن بگوید ان نیست
 یا خیر الرازقین یا علیم یا حلیم یا غفور یا سمیع یا بصیر
 یا عظیم یا کبیر یا لطیف یا خبیر یا بخشی یا حمید یا رؤف
 یا رحیم افتح له باب رحمتک و اجعل له من امری

فرجاً ومخرجاً برحمتك يا رحيم الرحمن وصلى الله
 على خير خلقه محمد وآله اجمعين وشرع دلائل كنه
 وچون خوانده شود باز پانزده مرتبه يا الله يا الله بكويد اين
 ايات عظيمه بخواند الاية الاولى والذين ماجروا في
 سبيل الله ثم قتلوا او ماتوا ليرزقهم الله رزقاً حسناً
 وان الله لهو خير الرازقين الاية الثانية ليدفع الله عنهم غضبه
 وان الله لعليم صميم الاية الثالثة ذلك ومن عاقب مثل
 ما عوقب به ثم نفي عليه لنصرته الله ان الله لعفو غفور
 الاية الرابعة ذلك بان الله يولج الليل في النهار ويولج
 النهار في الليل وان الله يسمع بصير لصير الاية الخامسة ذلك
 بان الله هو الحق وان ما يدعون من دونه هو الباطل وان الله
 هو العلي الكبير الايات وسمي الم تر ان الله انزل من السماء

ما فتصبج الارض محضرة ان الله لطيف خبير الاية
 الستة له ما في السموات وما في الارض وان الله
 لهو الغني الحميد الاية السابعة الم تر ان الله سخر لكم ما في
 الارض والفلك نجبر في البحر ما بهر وبمسك السما ان
 تقع على الارض الا باذنه ان الله بالناس لرؤف رحيم
 الاية الثامنة يا ايه الا الهة الرافع في جده له من فرعونين رباً
 كلم يوم خمسين مرة اغناه الله عن بواه واجبه من راه
 ومن قرأه على كاهن ما كسر واطعمه من احب اجبه ومن
 جعله ورداً يقره كل يوم حصده له لغير علم ادمال التسع
 يا معية ما افراد ابرز المخلوقين لدعوتهم من حماقة من فرار
 كلم يوم ثمان مئة رزق الهكس والافتح والمال والعادة
 ومن واظب عليه بعد كل فرضة رزق خير الدنيا والآخرة

۱۵ **الکثر** یا محمود الفعال ذا المن علی جمیع خلقه بلطفه من این
 قرائت به نیت صاوتة فی اللیل والنهار غناه الله تعالی ومن
 کتبه وشمعه وحمه صاعزیرا وریست فی بعض النسخ انه من
 اراد زیادة ماله وارتفاع درجه فلیطلب علی قرائته کل
 یوم الف مرة اسما و عشر یا نور ملک شریک الشی
 فلق الظلمات نوره من کان فقیرا و اعیاله فلیأخذ
 قلبه صان راسه السور ثم یقرأ الاسم علی القلب سبعا
 مرة ثم یتب الاسم فی قرطاس و یجده فی جوف القلب
 و یدفنه فی شکفة باب مسجد فانه یوسع علیه رزقه
 و من کتبه لابنته لم تزوج خطبت ولد تحمله الا طاهر
 و من کتبه علی ثفاحه واکلها علی الریق بر من مرضه
 و من قلده ثمانیة مرة و توحه فی حجة فصر الثانی عشر

از حقه و سمعت رزق و استجابت دعا و برآمدن حاجت
 بعد از وضو پیش از نماز مقتصد یا مقتصد یا مقتصد مرتبه
 این آیه را بخواند و اذا سئلک عبادی عنی فانی قریب
 احیب دعوه الداع اذا دعان فلیستبسل و لیؤمنوا
 علیهم یرشدون و اگر مقتصد و مقتصد و مقتصد و مقتصد
 معتبر باشد بعد از نماز پیش از قلم بهم گفت دفعه بخواند
 الثالث عشر ختم یا باسط است هر که این اسم نرغف
 در هر سحر دست به عا برداشته ده بار بخواند و بعد دست
 بر روی خود فرکشد هرگز بنذل و اال محتاج نشود و از رفیع خشیع
 و پریشانی و بجهت صحت دست و سعه دزد و ال سالی و عت
 اگر کسی وضو زد و در جای خلوت بنشیند و مانند شب
 یک در میان نه بعد از غروب هر شب چهار هزار چهار

۱۷ صد و بیست و چهار مرتبه بگوید یا باسط البتة رفع بر شرف
و قمر او شود و من حیث لا یحسب با و مد و سعادت
میرسد و ضیق معیشة او بعد و فراخی بسدل گردد و شخصی
عزیزی مغفیری میفرمودند من بار ما تجربه کرده ام و صاحب العظیم
آورده اگر کسی این اسم را بخواند و با خود نگاه دارد و توسل
رزق و تغیر کرب تا ثیر عظیم دارد و ایضا صاحب العظیم
گفته باید عام چهار روز مقصد هر روز چهار مرتبه بخواند
لا ینقطع این اسم شریف را بخواند تا مقصود فایض گردد و اگر
مفتاد روز پیوسته هر روز هفتاد بار بخواند حق سبحانه و تعالی
وی با بر طاعت و عبادت خود ثابت فرما سخ کرد اند
و خطری را از همه احوال و احوال بسبب بار زد و در
دیر است از جا که کمان نهشته باشد و سیه می غریز

۱۸ که از اهر ریاضت بود میفرمود که ختم یا باسط باین نحو بخواند
و تخلف ندارد الا ربع عشر الکرآیه یا ایها الان ما عک
برکت الکریم را ازین سره بر پوست سبی نموده و بخواند
دارد روزی او فراخ شود و در سعادت منفعت تمام
و بسیار باید بشرط آنکه در وقت نماز با او نباشد زیرا
که پوست سبع نمازی نیست آنجا که عشر هر که در یک
مجلس هر از مرتبه بگوید ماشاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
توفیق حج یابد و غنی گردد و بسند صحیح از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که عجب دارم از کسی که اراده مال
و متاع دنیا داشته باشد چنانچه پناه نگیرد باین کلمه سار که
که ماشاء الله لا قوة الا بالله و عذ این کلمه هزار و چهل
اگر کسی خوانسته باشد که این کلمه را ختم دهد و کند چنانچه

۱۹ هر روز بعد مذکور بخلاف آنکه تا غیبه خواهد
 است و عشر صاحب الشیخ ادرده که هر که ندانست
 کند بر کمر این است که عبارت است از الکریم
 الوهاب ذو الطول ضیق معیشة او بعد بدل کرد
 و روزی آن از آن که منظره دکان داشته باشد باو میرسد
 و بعضی از بزرگان گفته که بسیاری از مرد و رایان و در اهر
 کردم و باین و در شغلشند از بركات آن چیزها
 کردند که نهایت عجیب و غریب بود و هر روزی نجار
 از پنجاه مرتبه باید خوانده شود و عدد اسم هزار و صد
 و بیست و هشت است اگر باین عدد بخواند طهر
 و اتم خواهد بود و الساب عشر از برای قضاء حاج نماز
 که نامیده شده است بصلوة المضطر و تاثیر غریب دارد

۲۰ و موجب فرج و کثایش بی اندازه است و من حیث
 لا یحدر اسباب سرج از برای علمای رومی آورد
 در رکعت اول بعد از فاتحه بیست و نهم مرتبه بگوید و افوض امری
 الا الله ان الله بصیر بالعباد و در رکعت دوم بعد از فاتحه
 بیست و نهم مرتبه بگوید لا اله الا انت سبحانک انی
 کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من النعم و کذک
 سجد المومنین و در رکعت سیم بعد از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید
 حسبی الله و نعم الوکیل و در رکعت چهارم بعد از حمد
 بیست و نهم مرتبه بگوید لا حول و لدفع الا بالله العلی العظیم و بعد
 سلام بیست و پنج مرتبه صلوات بفرستد و از جناب و ارباب
 الطایب طلب بخواند که اشرف الله بر او رده شود و حجرت
 الثامن عشر ایضا از برای قضاء حاج و وسع رزق و در رکعت

این آیه شریفه میسر و محصل کرد و قاعده وقف اینست
که ابتداء از انکشتن کوچک دست راست کند
که او را خضر گویند و بهر وقتی انکشتی عقد کند و ختم باشد
ایهام دست چپ کند و در هر عین شیعه غنمه هر چه
بجمله از عهد خطیب کند و زبان صمیم بعید مابین
ایدیم آید آنچه دفع شر باشد طلب نماید و خنجر و عقد
تمام شود سوره الم نشرح و سوره بقره سوره اهدا
بجمله و سوره بصلوات بفرستند و بعد ده مرتبه سوره
حمد را بخوانند و بعد از تمام سوره حمد یک انکشتی از انکشتن
معقود و او کند و در باز نمون انکشتان ابتداء کند از
ایهام دست چپ تا انکشت خضر دست راست
که از او عقد کرده بود و بعد از فتح همه انکشتان نظر بوی

آسمان کند و بدید و حاجت خود را بخواند و در بعضی نسخ
چنین وارد شده است که بعد از تمام عقد ماسوره الم
نشرح و قدر هو الله احد و سوره بصلوات بخواند و نظر
بوی آسمان کند و بدید و حاجت بخواند و بعد از آن
ابتداء فتح از ایهام دست چپ نماید و در این متعرض
نشده که وقت کث دن انکشتان فاتحه بخواند و اگر
عمر هر چه طریق نماید بهتر خواهد بود و در بعضی از کتابها
طریقه اتم را تا چهار روز ذکر کرده اند و گفته اند که مداومت
باین طریق تا چهار روز همه قضا و حاجت مختلف ندارد
و ده وقف باین طریق است اول لا اله الا هو و تیمم
الحی الیوم تیمم لا تاخذ سنه و لا نوم چهارم لا مانع السموات
و ما فی الارض پنجم من ذا الذی شیفع عنده الله باذن

٢٥
 ششم بعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون
 بشئ من علمه الا بما شاء رستم وسع كرسيه السما
 والارض نعم ولا يؤوده حفظهما وهو العلي العظيم
 خواندن آية الكرسي باین طریق که مذکور میشود دفع
 اعداء هر روز صبح بخواند و از جمله ادعیه شیخ بهاء الدین است
 که بمیرتو نقل نموده و از جمله مجرب است و طریقه خواندن آن
 این است اخذ بآیه الواحد المجاهد من هر عدد و وحده
 بسم الله الرحمن الرحيم الله له الله هو احيى القيوم بعد
 سورة قدر هو الله احد بخواند تا صد سنته و در نوم له ما
 في السموات وما في الارض من الذي يرفع عنده الله
 باذنهم يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشئ من علمه
 بعد قدر اخذ برب التمس بخواند الله بما شاء و

وسع كرسيه السموات والارض بعد سورة قل اخذ
 رب العلق بخواند و لا يؤوده حفظها وهو العلي العظيم
 بعد بقره ما استأهل الكافرون بخواند لا اكره في الدين
 قد بين الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت
 ويؤمن بالله بعد سورة انا اعطيك را بخواند فقد شمتك
 بالعودة الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم بعد سورة
 اذا جاء نصر الله و خوله الله و آل الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات
 الى النور بعد سورة حمد را بخواند و الذين كفروا اولياؤهم
 الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات و لكن
 اصحاب النار هم فيها خالدون فآية بد اتمه ختم
 آية الكرسي امر است مجرب و دعائی است مؤثر
 الكرسي لا محسوس پیش آید و خواند که بزودی بر آید

۲۷ بصحرای رود که در او در هر سه بهشت و خط و کوفه
 بکشد و در عقبه توارض نشیند و مقادیر آیه الکرسی
 بخواند شک نیست که هم در آن روز هم او در بهشت
 است به آیه الکرسی بعد و لفظ کرسی بخواند و قوی
 داند و الحمد لله بعد از احدى و العشرین از حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره الماعون
 چهار و یکبار بجهت دفع احتیاج فرزندانش بخواند
 او و فرزندان او من حاجت نشوند و پیش از شروع سوره
 ده مرتبه صلوات بآیه فرستاد الثانی و العشرین در روایت
 و اخبار صحیح وارد شده که هر که هر روز سوره و الدار
 و سوره طلاق و یا ایها المذنب و الم نشرح و بخواند اثرش
 بخیر و خوبی و بوسعت بگذرد و توسعه در رزق او و عیال

بعد صحیح

۲۸ هم میرسد و بر حد تجربه رسیده الثالث و العشرین هر
 کس سوره مبارکه انا انزلناه را سیصد و شصت مرتبه
 بخواند از هر چه حاجتی و هر طلبی و مقصدی است یا
 احتیاجت برآورده میشود و ختم این سوره باین عدد و برای
 رفع فقر و زوال فاقه و احتیاج و از برای توسعه رزق
 و توانگری و از برای اداء فرض از جمله حج و تبت و حدیثی
 هم همین کیفیت از حضرت صادق علیه السلام در آن
 و در حدیثی است که هر که باین سوره مداومت کند اگر
 آنکس را معیشت تنگ آید بخواند تا تعالی روزی
 او را از جانی برساند و لحان نداشته باشد الرابع
 و العشرین هر کس سوره و العادایات را بعد از
 مبارک جناب علیه السلام که این سوره بر شان

نازل

۲۹

مبارک آنحضرت دارد شده بخوانه روزی عمر
 از جایه میرسد که کمان نهشته باشد و هر که این سوره را
 بسیار بخواند قرضش آید و میشود و هر آن از همه محاسن
 محفوظ میماند آنجا پس در العشر و نهم کس سوره الهزرا
 در نماز نافله بسیار خواند مال و روزی او بسیار شود و اگر کسی
 در العشر و نهم مردی که در هیچ خانه و بقعه هر روز سوره
 قس غدوت نمیکند الا آنکه صاحب آن خانه و آن
 همیشه با ولایت و سعادت و عزت و کرامت بود
 و اگر غلبت و ذلت محفوظ میماند و محجرب و از کفر
 و تحلف ندارد تا بعد و العشر و نهم از حضرت رسد
 صیاته علیه و آله مردی که هر کس این سوره را
 با جویهایش بخواند نجاب آدمی است الهی کفایت کند

ام

امر دنیا و آخرت او را البته فرج میدهد با و و مبتذل ۳۰
 میکند عمر او را بسیار و اگر محبوس خواند البته خلاص شود
 و این آیت و علی آیت است که گفتا گویند و خواندن
 این آیت از کلام مدیون و محبوس و خائف و بچیز
 بسیار نافع است الا قدر الذی را و الا صاع
 مصیبه قالوا ان الله وانا الیه راجعون ارجو ان یجلب اولئک
 علیهم صلوات من ربهم ورحمة و اولئک هم
 المهتدون الثانیة الذین قال لهم الناس ان الناس
 قد جمعوا الیکم فاختوهم فزادهم ایمانا فقالوا حبنا الله و نعم
 الوکیل ارجو ان یجلبوا نعمته من الله و فضل
 لم یسهم ثم و انبعوا رضوان الله و الله ذو الفضل العظیم
 الثالث و الذین اذنب مغاضبا فظن ان لن نقدر

علیه

۳۱ علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
 انی کنت من الظالمین جوابها فاستجبنا له ونجیناه
 من الغم وکذلک نخرج المؤمنین الراغبه وایوب اذا نادى
 ربه انی مسر الضروانت لرحم الراحمین اجاب سبحانه
 له فکشفنا ما به من ضرر واتیناه امله وکرمهم معهم رحمته
 عن عندنا وذلک لی للعابدين النجاسته ولفوض امری الاله
 ان الله بصیر بالعباد اجواب فوقیه له سیئات ما کموا
 وحق بال فرعون سور العذاب ان الله والذین
 اذا فعلوا فحشاً لو ظنوا انفسهم ذکر و الله فاستغفروا
 للذین یؤنبهم و یغفر الذنوب الله الله و لم یضروا
 ما فعلوا و هم یعلمون اجواب اولئک جزاءهم
 مغفرة من ربهم و جنات تجري من تحتها الانهار

خالدین

خالدین فیما نعم اجر العالمین الثامن والعشرون از برای ۳۲
 دولت و کثایش کارها مر باید هر روز این آیه را
 سیصد و پنجاه مرتبه بخواند که از حجرات آیت است
 فان الفضل بید الله یوتی من یشاء بغیر حساب
 یوتیه فریش و الله من الفضل العظیم التاسع عشر
 از کلمه وسعت رزق و کثایش را هر روز در دست چپ
 روز بعد از نماز صبح این آیه را هر روز پنجاه مرتبه بخواند
 تکلم روی بقبله یا وضو بخواند و در اوقات حرکت نماز
 نیت حاجت بعد از دو و صد مرتبه صلوات
 فرستد و شروع کند و روزهای دیگر ندارد اما صلوات
 هر روز ده مرتبه بفرستد و قصد طالب نیاید و هرگاه
 در اوقات شروع قمر از اند نور باشد اول است

وایه

۱۵۱
و آیه این است ربنا انزل علینا مائدة من السماء تكون
لنا عیدا الاولنا و آخرنا و آیه نکت و از رقعات است
خیر الرازقین التلثون هر که هر روز یا نرود مرتبه این آیه را
بجمله همیشه معزز و محترم باشد و فراج روزی و
و صاحب جاه و جلال گردد یا الله المحمود کل فعاله و اگر کسی
مرادی داشته باشد و هیچ گونه مرادش حاصل نشود باید
روز جمعه غسل جمعه و غسل حجت و غسل از برای استیجاب
دعا بکند و بمسح بر سر و بر روی و بر پاکی در پوشد
و در رکعت نماز حجت هم بکند و بعد از نماز است
نیت بگوید یا الله المحمود کل فعاله البته مرادش حاصل شود
و بعد از آنکه نماز جمعه را هم کرده ایضا این اسم را بیست مرتبه
بگوید احادی و التلثون هر کس هر یک یا غریز بگوید هر که

۱۵۲
محتاج نکرد و هر روز بعد از نماز فجر نود و نه بار
خواندن این اسم برای طالع برضای او و سایر کیمیا
و سیمیا نافع است و هر کس ذکر کند غریز را تا اتم
روز هر روز چهار مرتبه محتاج نباشد و اگر کسی در ثلث اخیر
از شب و ضو بزد و سرو پا برهنه زود استین
قب را بالا زند و در بقبله کند و صد دفعه یا غریز را غریز
بگوید در میان محرم و محترم و غریز در جمعه و تیسر
و التلثون هر که در نصف روز یا در نصف شب در میان
بر دارد و صد بار یا رافع یا عرف یا الف و لام
تعریف را رافع بگوید در میان خلق بزرگ شود و صاحب
جاه و رفعت میگردد و التلثون در شرح اسماء
آوردند که هر که هر یک یا غریز بگوید در چهار زاویه خانه

خانه خود هر زاویه ده بار بگوید الرزاق واغزانت
 رست کند و بجا نقیب که رود از فقر و فاقه و بی نوائی
 خلاص شود الرابع الثلثون هر که در آخر وقت اقامت
 از روز هر روز سیصد و شصت دفعه الرزاق بگوید اللهم اغفر
 یا الله جهان عد و یا رزاق بگوید البته روزی او واسع
 گردد و من حیث لا یحسب برزوق می شود و مجرب است
 احسان و الثلثون یا واسع بگوید تسعة رزق مداوش
 مجرب است و هر که محتاج گردد آن تسعة و الثلثون از رحمة
 غنی او و انگری و دولت و بی نیازی در نماز نام
 و خفتن هزار و شصت مرتبه بگوید یا غنی اثر می بخشد
 و غنی و ثروت و در این ختم هم ادعای تجربه شده
 الیک و الثلثون هر که ناده جمعه هر جمعه ده هزار مرتبه

و اگر کند اسم الغنی المعنی را و بخورد و نیاشاند
 در این یایم حیوانی جناب اقدس الهی را در دنیا
 غنی و بی نیاز گرداند و ادعای تجربه کرده اند و گفتن این
 اسم یک مجلس دوازده هزار بار باعث سیرت
 دولت عظیم و وسعت رزق و معیشت است و الثلثون
 اگر کسی این چهار اسم مبارک را در یک روز هزار
 مرتبه بگوید و در آن روز با کسی سخن نموید که غنی و ثروت
 حاصل گردد و گفته اند این از مجرب است و الله اعلم بحقیقی
 اللذوال و دعا در الرجال و سامعی را بعد این است یا غنی
 یا قوی یا عد یا دایه اما در نسخه صحیح حقیر دیدم هر که این
 چهار اسم مبارک را بخواند دوازده هزار مرتبه چنانچه
 در میان حرف نهد البته متمم و متمم گردد و چهار

صد بزرگ چنین فرمودند در ویس و فخر بودیم
نخلندن این اسم مبارک که تو کمر شدیم و اسم است
و باین ترتیب است یا قوی یا غنی یا وای یا غنی یا باین
نسخه یا وای مقدم است بر یا ملی و حرف نزن را
که اند در اثنا ختم نه در تمامی روز و در بیاض و نسخه معتبر
ملاحظه شد که این ختم و همین رویت نوشته شده اند
و کسان و آنرا به پیغمبر داده بودند و لیکن آن چهار اسم
باین ترتیب بود یا قوی یا غنی یا ملی یا قوی و فخر از غنی
و از باب اجانه و این دعا گفته اند در جبهه غنا و
در یک مجلس چهارده هزار مرتبه اسم را بخواند و باین خواند
و بکسی در اثنا خواندن حرف نزنده البته بطلب
صد میوه و اما بنا بر این قمریک اسم در اینجا زیاد

و باین گفت و ترتیب این اسم را باین هیچ است
یا قوی یا غنی یا قوی یا وای یا ملی و بعضی از بزرگان نقل کرده
که مالین اسم را بدست نمودیم روزی هزار و
و نه و دست مبارک عدد اسم است از بزرگ این اسم
مبارک که هست و غیر مبارک و در دو تو کمر شدیم و کسان
و باین ترتیب است یا قوی یا غنی یا ملی یا قوی و
نقل شد از کتاب انوار الیقین و در رویت گفته
که هر که بخواند هزار مرتبه و بروایتی دوازده هزار مرتبه یا قوی
یا غنی یا وای برساند خداوند عالم او را روزی و آسمانی شکر
آن است در اثنا خواندن حرف نزنده و در روایتی که
وارد شد که اگر از ده هزار مرتبه بخواند آنقدر از راه و نعمت
با و خداوند کلاست فرماید که حساب آنکه نماند و عدد

دولت

المرفوع

۴۱
 الرحمة الله منك وحب الله مال الله فيك يا ثقة
 من الله له الثقة لا غيرك لا خير من امرى فرجا وخرجا
 وارزق من حيث لا تحسب ومن حيث لا تهتسب
 برز من سجدة كبريا ويا مغيث اجب لي رزقا من فضلك
 وروى شنبه رزقنا زه روزى تو يومه الثاني ولد بعون
 ورحمة الاله وادوات هر كس ناست روز جمعه
 هفتاد و شنبه اين دعا را بخواند نميكرد و بر او ده جمعه كرامت
 خدا او را غني ميكرد و انه از هر اعه بر فضل خود و دعا اين است
 بسم الله الرحمن الرحيم يا مغني يا غفور يا ودود غني بجلالك
 من حرمانك و بطاعتك من عصىك و فضلك
 عمن سواك برحمتك يا ارحم الراحمين الثالث
 وادربعون از جمله ختمهای مجرب صغير كه گفته اند تا

عفو

۴۲
 تخلف ندارد و ختم مورد مباركه الحمد است و اين چند
 طريقه منعقد است و طريقه اول كه هر يك و طريقه
 اين است كه از روز جمعه قضاوت و ابتداء كند و چهارم
 روز هر روز چهار و يك مرتبه بلافاصله بخواند و اگر كه روز
 شنبه از سر كيرد و بعد از ان تمام عدد هر روز را بگويد
 بار بخواند يا مفتوح فتح يا مفرج فرج يا مستجاب مستجاب
 يا مستجاب يا مستجاب يا مستجاب يا مستجاب يا مستجاب
 و منعقد است كه هر كه اين ختم را بخواند و شرائط قرا
 بخواند و بگويد و اين مرتبه تيز بورد فوت نمند و در
 قرانت حرفت نزد و مراعات حضرت قلم و تقوى را
 بكنند و در اين چهار روز پسران و پسران هر و معصوم
 اسباب ديور و فتح تمام است و بمرتب برسد كه از

۴۳

کردن او در خست باشد برستی که محرم بود و در بعضی نسخ
بجای سیزده مرتبه دعا یکمرتبه هم وارد شده و در نسخه نه
القلوب این ختم را همین نحو نوشته بود و لکن در آن
نسخه بعضی حمد و ثناء به حمد چهار مرتبه حمد نوشته بود
و صاحب نسخه القلوب کویله اخیر استیم بر کار برای
هر حاجت از خواندن بیست و نه رضای اقدس الهی در آن
باشد و نام شروع باشد از حجر است و تخلف ندارد
و در نسخه دیگر چنین بنظر رسیده ختم نوره فاتحه الکتاب
با این طریقه بجهت قصد طالب محراب و طریقه
با این نوع است که هر روز چهار و یکمرتبه یا چهار مرتبه
مجلسه و بعد از چهار و یکمرتبه است و یکی بخواند
یا فتح فسطح یا فرج فرج یا است نبی یا شمل

۴۴
 هندی یا ستم تم و در نسخ معتبر و دریم نوشته
 بخونه که هر روز بعد از اتمام قرأت چهل و یک
 نوبت بخواند یا فسرج فسرج یا فتح فتح یا سب
 سب یا سهل سهل یا ستم تم واضح نسخه است
 زیرا که از کتاب معتبر معتبر علیه نوشته شد و دریم
 را که در اینج دیگر نیز نوشته اند و خیر از همه استغفار
 و تفصیل همه انواع این طرق خیر و نیر در این رساله
 ضبط نمود و ان شاء الله ما بین نوع است که در این قسم
 از جمله حصص مطالب در این شرح جمیع مکرر و بازده
 بخوانند و در اثنای هر یک از این نوبت و در هر یک از
 مکرر از کبر این ختم که الله هو الله بقای الله عز و جل
 قرأت هزار و پانزده مرتبه بخواند است

قسم هم در بعضی اگر کتب با این طریقه نوشته اند از جهت برآوردن
 حاجات و رفع ملمات و سستی اعداد و سستی از بلا
 با فائحه الکتاب بر این ترتیب بخواند یوم است بمقدور یوم الله
 شصت مرتبه یوم الاثنین بخانه مرتبه یوم الثلاثاء هجرت
 یوم الاربعاء مرتبه یوم الخميس است مرتبه یوم الجمعة و مرتبه
 بخواند مرتبه تا حاجات بقرون است که مجموع در هر هفته
 هشتاد مرتبه خواهد شد قسم ایضا در بعضی کتب
 بنظر رسیده که هر که روز جمعی پیش آید از برای رفع آن هم و حصول
 مطلب بنیز بگوید بخواند بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب
 العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین
 بعد از آن سوره اخلاص را بخواند سه مرتبه و بعد از آن انشاء
 بخواند اللهم كما جمعت بین صفاتک و اسمک و افعالت

فایده

فایده معنی و بین حاجتی بحق محمد و آله و اجمعین و از آنها بهره مند
 تمام نماید البته حاجتش رفع میگردد و در این تقسیم چهارم شرح
 بجهت این حمد الرحمن علیه الرحمة و کتاکتف الله سرافقته
 از خواص فائحه الکتاب این است که هر که مضرت روزی
 بکیر و دور این مضرت روزی روزی حیوانی بخورد و در روز فائحه الکتاب
 صد بار زده دفعه بخواند و همین عدد صد است بر خود آید که بخواهد
 پس هر مرتبه طاعت میکند از صد تا چهار صد مرتبه هر روز
 بفرستد حاجت خود بگوید و در بعضی از نسخ خطه شده از کتب
 هر مطلبی از مطالب در خواسته باشند فائحه الکتاب را این
 نوع بخواند از روز شنبه تا چهارشنبه شروع نماید چهار روز
 با این طریقی بخواند بعد از نماز صبح بیست و یک مرتبه بعد از نماز
 ظهر بیست و یک مرتبه بعد از نماز عصر بیست و یک مرتبه بعد از نماز عشاء

بیت

بیت و هجرت به لوزان رفت و در مرتبه که مجموع
 در یک روز پنهان صد مرتبه میشود و چشم از تقدیر دارد
 رحمت عین قدرت که هر که سره صدر باین آیه شریفه
 که مذکور میشود تا ده روز در روزی نایزده مرتبه که مجموع صد و هفتاد
 باشد از هر مصلحتی که در مرتبه باشد بخواهد بخواهد
 و تجربه رسیده است و آیه تقدیر است ثم انزل علیکم
 بعد الغم انتم نفاس تا و الله عظیم بالصبر و الرزق
 ال عمر است و آیه تویم کت محمد ص الله و العین شانه
 علی الحفاری الی مغفر و اجر عظیم از روزی که انانیت و لوزان بگوید
 رب ستر و ستر و الله عظیم سبای رب التوب و الدعوی
 از جمله ختم مغیر و تجربه مشهور و متداول است و نزد عین و لوزان
 و تجربه و حکمیه به مرتبه است و حکم کبریت احمد دارد و عدم غیر
 اذکر

از بیت کمر اندام قایت و علم و عدم اجتماع شرط
 و ختم فرمود الله احد است و از ختم الم شرح و ختم
 احمد نیز میکنند و این ختم است سرکه همه ختم است و نیز
 و زیاده بر همه ختم دارد و از بر سر مطلب کونه جبر و جبر
 حجت مخصوصاً از جمله کثرت زرق و زوادی مال و مال
 و رسیدن بطلان و نبویه و رغایر اخرویه بایست و حجت
 و جمع کثیر و جزم غیر از دعا تجربه نموده و طریقه اش این است
 و در غنیه میکنند و بالاسر یا کز در مکان خلوت می نشینند
 و با حد کشت می کنند تا ورد تمام شود و آتش عقوبت منی فروزه
 و در است کند و طهارت بجا آورد و هر رکعت نماز حجت
 بهر هوا که باشد بجا آورد و بعد از تمام نماز نصف مرتبه کز
 حمد بگوید و بعد صد مرتبه صلوات میفرستد و بعد بختاوند
 اینه

۴۹
 مرتبه سوره الم شرح بخواند و بعد از آن شروع نموده و سوره مبارکه قل
 هو الله را در یک دفعه بخواند و بعد صد مرتبه صلوات بفرستد
 و بعد از هفت مرتبه حمد را بخواند و بعد از آن که همه را بجا آورد
 سر را بسجده گذارده از قضا حاجات بطلبد که دارد و بطسک که
 است تم برآورده است و بعضی گفته اند پیش از شروع بواجب
 خوش در آتش نای و در بعضی از نسخ تعبیر چنین نوشته اند که
 سوره فاتحه هفتاد مرتبه و صلوات صد مرتبه و الم شرح *
 هفتاد و نه مرتبه و سوره اخلاص هزار و یک مرتبه بایستد
 و بعد از هفت مرتبه سوره الحمد و بعد صد مرتبه صلوات بخواند
 و البته حاجت رواست و تکلف ندارد و بعضی این ختم را ختم
 مفید شمرده اند و گفته اند که این ختم سوره بعد از نماز صبح
 در روز پنجشنبه بخواند و اگر جمعه باشد بهتر خواهد بود و این ختم

دالوف

در عرض چهارصد مرتبه ختم بخواند می شود باید و ای
 کمال و مدد را بخواند راه نهد که بجز این و کسر و غایت نیست
 و این ختم مبارک از خاتم المجتهدین حاج آقا سید علی علیه السلام
 مقاسمه در رفع آه و رنج است و نیز منقذ است و سید علیه السلام بعد از
 نماز صبح فرموده هفتاد مرتبه سوره الحمد بخواند و بعد از آن
 صد مرتبه صلوات و بعد از آن الم شرح را هفتاد و نه مرتبه
 فرموده که بخواند و فرموده که این ختم در مکان شریف باشد
 بهتر است و انجاء است از آفات و شرک و کون و
 ختم بخاتم و بعد از هر دو رکعت نماز حاجت کردن و تقید
 روز پنجشنبه یا جمعه را متعرض شرارت و فرموده اند هر وقت
 خواسته باشد این عمر را توان بعد آورد و بعضی از نسخ
 در بیاض و بر روز جمعه بخواند که تا یوم جمعه ختم نماید

این کلام

۵۱
 باین نحو که غسل و جهته پاک و وضو را بجا آورد و بعد از آن
 بار فاتحه و صد بار صلوات و نود و نه مرتبه سوره الم
 شریف بخواند بعد از آن هر رکعت نماز حاجت کند از دعوی
 حمد را صد بار بخواند و سلام داده هر روز یک بار سوره توحید و
 بخواند و سوره رعد و حاجت خواهد آید و الله یعلم و بعد از آن
 و نود و نه رکعت نماز حاجت و نیت قضا و حاجت و نیت
 آنکه خداوند قادر مبین را در غم و مصیبت کند بعمل
 آورد در روز چهارشنبه چهار نوبت سوره الکافران بخواند و
 مال بسیار نصیب او شود آنکه در روز پنجشنبه از هر حصص
 مال و ثروت و دولت در روز پنجشنبه هر رکعت نماز
 کند و بعد از آن سوره یسرا بخواند و این عمل را سه روز
 آورد و بسیار حاجت آید و الله یعلم از هر طریقی

۵۲
 مال و جلب آن و توسعه در احوال و بخت و وقت
 و مال بعد از نماز صبح و بعد از سلام و دادن بصدقه بگوید
 بسم الله الرحمن الرحیم و صدقه عیسی و محمد و آلهم السلام
 او حاکم با شماست احسنی کمربته و بعد صد و شش مرتبه بگوید
 یا جواد یا لطیف یا باسط یا معنی یا الله یا لا اله الا هو پس
 بعد از صد و شش مرتبه بگوید یکصد و شصت ان تصلى
 عیسی و محمد و آلهم و ان تعطینی غفران و ان تعطینی غنی
 لا احتاج به الا غیرک و ان تعطینی عیسی طاعت و اداء
 حق الملک و از جمله حاجت آید ان شاء الله ربون
 الرکسی لیسر لایست کریمه و از سوره بقره چهار روز
 متوالی بدون فاصله هر روز بیست و یک نوبت بعد از
 نماز صبح بخواند از خدا کت و درویشی و گرفتاری و فقر

فقد صرّحوا بما يلهو عن الرضا صرح بخلافه باتفاق مجتهد و

ایست ایست یا نبر مهر او که را لغمتی آتی لغمت

عليكم دادقور لعنه رادف لعنه كم و لا فارسيون و انوار

بِإِذْنِكَ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَقْدَارًا عَلَيْهِ وَلِلَّهِ

يَا قَتِيلًا وَلَا يَابَاقُتُونَ وَلَدَلْبُورُ أَحْمَرُ مَالِي ط

وَأَنْتُمْ تَعْبُونَ النَّاسَ وَبِذَلِكَ تُفْقَرُونَ

که اگر کسی را خیر برگاه خداوند متعال بوده باشد و بطریق

خدا جل جلاله را بقوله شردت و هلت و عزت و عظم

غير ذلك، انما سبب ارفاقه في غير قرواقه وارتباط

رشت و ورق رفته و حسرت جانی و دلم رو دهنده

عم فخر المجلد سن ۱۲۸۱

عمر اور دینیت رفع حد سے بڑا اور دین

و اباحت نماز و رکعت نماز حجت کند و در هر رکعت

نموده اند از این صورت بر چند مثال محمد صریحه ای شده

و هزار و یک مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحيم حق بسم الله الرحمن الرحيم

و لهذا نام از صد مرتبه صورت افرشته و مطهر خود را در

خداوند بخواند ^{بسم الله الرحمن الرحيم} و اگر دفعه اولی طرب

بعضی نایب جمعیه نیز بعضی سارو و اکثره هم بعضی

و جمعہ سیم بعد از نماز و اللہ تعالیٰ بخیر و برکت

ایضا نصرت که از همه غمزدردت و تسعه در سعت

در تب جمعه و لغت نما کند و اگر غیر چیه بهتر است

در هر لغت جدید یک ردیف الم شرح هفت بار و

ام محمد بن حرام بن عبد الرحمن بن العباس بن المأمون بن عبد الله بن أبي طالب

والله اعلم بما فيه الصواب في الدسباب

ده هزار بار بگوید یا موات و بعد از آن مطلب را از حق
 بگوید که یا موات و بعد از آن کعبه را بخیر از کعبه مرصع خود
 و غیره از خدای عز و جل بخیر بگوید و بعد از آن هر چه خواهد
 پیریه آید یکی در دامن خون حبه قند و در دامن عسل و بزرگ
 و تسبیح و صد و ششم مراد است یا موات یا موات یا موات
 و انجمون از حبه کثیف کار و وسعت روز و در نصف شب
 هزار دفعه بگوید سبحان الله اکبر الفیوم الله رب المیوت
 صحت یوم از خوله بخشید الثالث و انجمون از بزرگ
 نوحه در هر بیست و هفت قول از هر صبح تا هر عصر
 نماز کنه در رکعت اول بعد از حمد مفده مرتبه قیر یا ایها
 الهادون و در رکعت دوم بعد از حمد مفده مرتبه قیر یا ایها
 الهادون و در رکعت اول از هر رکعت مفده مرتبه سبحان

نزدیک صبح

رتی الاعی و بحمد و بعد از فراغ هر هفته مرتبه ای که کسی بخواند
 که چهره است و گفته اند که این ختم را که نور مخفی است و جهت قضای
 جمیع حاجات دنیوی و دنیوی و ثواب است و ته علم الرابع و الحمد
 شیخ طوسی علیه الرحمة و ذکر کرده که از برای قضاء حاجات روز
 چهارشنبه و پنجشنبه روزه بگیرد و در وقت غشا چیزی تصدق
 پیش از افطار پس غنای از بار خدای میجو سبب کند و در سبب مگوید اللهم
 انی استک بوجهک الکریم و استک العظیم و علیک الماضیه
 ان تصنع علی محمد و آل محمد و ان تقضی غریبی و توسع رزقی
 میفرماید و اوم علی ذلک و مع ته تعالی رزقه و قضا دینه
 کانتا ما کان لک بهما فی نفس هر کس بر او دست کند بر نیاز
 و دست می دهد و تعالی بر ذر او دلایل کند و نیاز او هر چه باشد
 و در حاجت خواسته باشد که به ته تعالی رزق است و الحمد

طریقه ختم نور سب که بگذارد وقت الواقعة است که از برای
دست رزق و توسعه در معرفت تا سر غریب دارد
طریقه ارشاد است که فتنه از شب شنبه کنه
در شب سه دفعه بخواند و شب جمعه است مرتبه بخواند
و این عمل را پنج هفته بکند و هر وقت که بخواند نورانی
بخواند پیش از نورانی که در بخواند اللهم ارزق رزقا و سعیا
عند طبیب غفر له و استجب دعوی غفر له و اذ غفر له
مفضلتی الفقر و التوهم و ارفع عنی غمیر منی ربی اللهم
اسبطین احسن و احسن علیها السلام بر جنتی و ارحم الراحمین
و بعضی فرموده اند که از شب شنبه شروع کند تا شب
پنجشنبه ارشاد پنج مرتبه و در شب جمعه یا ده مرتبه و
پیش از شروع سه مرتبه بگوید اللهم ارزقنا رزقا و سعیا

تأخر ده و بعد از تمام خواندن یا رزق المقلین و یا ارحم الراحمین
و یا دلیر المتحیر و یا غیاث المستعین و یا هادی المذموم
الدين ایاک نعبد و ایاک نستعین اللهم ان کان
رزق فی السماء تأخر و یا بخواند و بعضی از بزرگان فرموده اند
که مرتبه از شب پنجشنبه تا به هر طریق پنجشنبه
بار و شب جمعه یا ده بار و شب شنبه یا ده بار و شب
دوشنبه یا چهارشنبه یا یک پنج بار مجموع در غرض
همه و مکرر بشود و هر وقت که نورانی تمام کند نیمه اول
بخواند اللهم ان کان رزق فی السماء تأخر و ان کان
فی الارض فافرحه و ان کان بعید افقره و ان کان
قریب فیسره و ان کان قلیل فکثره و بارک لنا فی هرکت
یا ارحم الراحمین و بعضی گفته اند که مرتبه از شب جمعه تا

۵۹
و ثمره خواندن این سوره یک از این سه طریق بسیار است
از آنکه از قافله برکت و محنت گرفتار شود و روزی در
دایم بگردد و جمیع ملمات او کفایت میشود و در
تجربه در باره ثمره خواندن این سوره مبارکه باین طریق
بسیار شده است و حدیث صحیح هم مویه این
مطلب است و در بعضی از روایات معتبره
در خصوص ختم و اتمه چنین نظر رسیده که چون
اول ماه جمادی الثانی باشد شروع نماید بخواندن این
سوره مبارکه با طهارت و روزه و بقیه روز اول
یک مرتبه دوم ۵ مرتبه سیم سه مرتبه دهم چهل مرتبه
تا چهار دهم چهارده مرتبه بخواند و بعد از مدت
سوره مبارکه هر روز این دعا را بخواند یا سبب

الکلب

اللهم ابواب ما نفتح الابواب لفتح لنا الابواب
ویرعینا بحسب و ستر علینا العقاب اللهم
ان کان رزق و رزق عیالنا فی السماء فانزلہ و ان
کان فی الارض فاضربہ و ان کان بعینه فاقربہ
و ان کان قریب فبسطہ و ان کان یسر فکثرہ و ان
کان کثیر فخلطہ و ان کان محلاً فطیبہ و ان کان
طیباً فبارک فیہ و ان لم یکن یارب فلوثة فیسوئہ
و وعدتک انک علی کل شیء قریب و ان کان علی امری
شر فخلطت فترفعه فانقلبه الی حیث الون و لا یقطنی
الیہ حیث یکون من القویة المموزة المكتوبة المنقولة
عن مولانا محمد باقر المحبسی منقول عن مولانا و سیدنا
عزیزین العابدین علیهم السلام لذلک کان آخر الشهر یوم الثامن

فیه

فابعدوا فراداة واحدة مرة واحدة وفي اليوم الثاني
 مرتين وكنه لاله يوم الرابع عشر اربعة عشر مرة وكل
 خميس لاله الذي مرة واحدة لتوسيع الرزق وسهول
 الامور المشككة ولاله الذي من محراب غير رشت
 ولحم خا احمد وسعها يا واحد يا واحد يا حواء
 يا حنان يا منان يا كريم الملك تحفه خفاك
 به شمر ونقصي به دني رقص به شاني رحمتك
 يا سيدي اللهم ان كان رزقي في السما فانه وان كان
 في الارض فاحضره وان كان بعيدا فاقربه وان كان
 قريبا فيسره وان كان كثيرا فبارك لي فيه وارسله الي
 خيرا خفاك ولله تحو خيرا لثرا خفاك وان لم يكن
 فلو تيسر ليك ووجدت لك اللهم نقه الي حيث

قسمه فله وان
 كان صبح

الان

اكون ولا تنقني اليه حيث يكون انك على كل شيء قدير
 يا حي يا قيوم يا واحد يا حجة يا تبارك يا كريم يا رحيم صل على محمد
 وآل محمد وتحمم عليهم نعمتك وبهتنا لكرامتك
 وابنا عيناك انت ومن المحمديون الذين اجمع
 المؤمنين عليه بعدك مرد يست اكرم روز كبريه سورة اذا
 وقعت الواقعة كبريه يا ايها المنزل ومكرته سورة والليل
 ومكرته سورة الم شرح لولا بخلافه لاله الذي رفعه
 حجت او روايت وحمد تمام فهو نهي را بخلافه قبل
 روز انهم را بجا لورد بارزق انت تبارك يا رحيم
 لم يكن يا ذا المؤمنين غياث المستعشرين يا رحيم
 الرحمن صل على محمد وآل محمد وكفر محمد لك غفر
 وبطاعتك عن عصيتك وغفر لغضا

عن

۳۴
 عَنْ بَوَاكٍ يَا آلَ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ
 أَلْبَسَ وَاجْهَهُمْ لَزْجَةً لِيُحْيُوا رِزْقَ وَتَوْسِعَهُ دِرْهَمًا
 وَرَفَاهِيَةً دِرْهَمًا لَزْجَةً حُجْرًا تَسْتَكْتُمُ كَمَا يَكْتُمُ مَغْفَةً
 لِيْنِ عَمْرٍاءَ بِأَيَّامٍ وَرَدَّ دَانَ عَمْرٍاءَ لِيْنِ كَيْتٍ كَبِيرٍ
 بَابِ مَنَازِلَتِهِمْ وَتَحْتَنُ جِهَةِ رُكْعَتِ مَنَازِلَتِهِ كَرْدِ
 وَدَرِ رُكْعَتِ بَكِ عَمْرٍاءَ بِسِتٍ وَبَنَجِ مَرْتَبَةِ آيَةٍ
 وَمِنْ تَقَاتِهِ تَارِخُ تَجْوِزِهِ الثَّامِنِ وَاجْهَهُمْ عَنْ جِهَةِ رُكْعَتِهِ
 عَنْ آيَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ مِائَتِينَ مَرَّةً لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ سَتَقْبَلَ الْغَنَى وَاسْتَدْبَرَ الْفَقْرَ
 الثَّامِنُ وَاجْهَهُمْ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَنْ آيَةِ امير المؤمنين
 عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَوْ رَوَى اللَّهُ عَنْهُ صَلَاتُهُ عَلَيْهِ وَالْوَسْمُ
 مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ
 الْمُبِينُ

۳۵
 الْمُبِينُ اسْتَخَلَّتْ بِهِ الْغَنَى وَاسْتَدْبَرَ بِهِ الْفَقْرَ وَاسْتَدْبَرَ
 غَنَاهُ بَابُ النَّارِ وَاسْتَفْجَحَ بِهِ بَابُ الْجَنَّةِ اسْتَنْوَنَ
 اِزْجَةً لِيُحْيُوا رِزْقَ وَتَوْسِعَهُ دِرْهَمًا لَزْجَةً حُجْرًا تَسْتَكْتُمُ
 كَمَا يَكْتُمُ مَغْفَةً لِيْنِ عَمْرٍاءَ بِأَيَّامٍ وَرَدَّ دَانَ عَمْرٍاءَ لِيْنِ كَيْتٍ
 كَبِيرٍ بَابِ مَنَازِلَتِهِمْ وَتَحْتَنُ جِهَةِ رُكْعَتِ مَنَازِلَتِهِ كَرْدِ
 وَدَرِ رُكْعَتِ بَكِ عَمْرٍاءَ بِسِتٍ وَبَنَجِ مَرْتَبَةِ آيَةٍ
 وَمِنْ تَقَاتِهِ تَارِخُ تَجْوِزِهِ الثَّامِنِ وَاجْهَهُمْ عَنْ جِهَةِ رُكْعَتِهِ
 عَنْ آيَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ مِائَتِينَ مَرَّةً لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ سَتَقْبَلَ الْغَنَى وَاسْتَدْبَرَ الْفَقْرَ
 الثَّامِنُ وَاجْهَهُمْ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَنْ آيَةِ امير المؤمنين
 عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَوْ رَوَى اللَّهُ عَنْهُ صَلَاتُهُ عَلَيْهِ وَالْوَسْمُ
 مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ
 الْمُبِينُ

هر یک از نوره هجده و آیه الکرسی و همین التوبه تا آخر
 نوره بخواند و بعد از سلام از هر رکعت اول ده بار بگوید
 سبحان الله الابد الابد سبحان الله الواحد الاحد
 سبحان الله الفرد الصمد سبحان الله الذي رفع السما
 بغیر عهد المنقر و بلا صاحبته و لا ولد و در رکعت اول
 از هر رکعت ثانی بعد از حمد نوره الهمک التکاثر سوره مرتبه
 و در ثانیه فاتحه و سوره قدر سوره مرتبه و سوره اذکار که در رکعت
 زلزله هجده مرتبه و چون فارغ شود سجده کند و در سجده گفت
 بارکوبه اللهم انی استسکلتک التبتیر فی کل غمیر فان غلبت العیر
 علیک یسیرس سر از سجده بردارد و ده بار این آیه را
 بخواند قل الله احد رب السما و رب الارض و هو الغنی
 الحکیم الثانی و استون ختم نوره بار که در تثنیل است چهل
 بار

شب هر شب چهار دفعه و غیر هر دفعه که بایه تفرقه
 و لا احد عنده من نعمه تجری برسد سه دفعه مکرر نماید
 و سوره را تمام کند و از برای فتوحات الی غیر التبتیه
 است و کثرت مال و منال اثر عجیب و نفع غیر
 دارد و عقیده از کفایت آن خبر هست التبت
 و استون ختم قل اللهم ازیمه غنی و کثرت حلت
 و ثروت از عجز هست چنانکه علماء اوق کرده اند
 و طریقه اش نیست که هر وقتی از اوقات شب
 که باشد بر خیزد و صنوی کامل بگیرد و هر رکعت نماز کند
 و بعد از آن رو بقبله یا نحو طریقی و ایستد که قل اللهم
 تا بغیر چهار هجده مرتبه بخواند و چون فارغ شود بوسینه
 برکافه سفینه که هر حرف نیم را با این نوحه بخواند یسین

الف غزو بزرگان طاهری بچسباند و هر روز نظر
کند بان حرف چهار مرتبه و در هر مرتبه آیه نه کور را گفته
بخواند و در اثنا خواندن نظم از حرف بر ندارد و متوجه
کسی نشود تا چهل روز چون روز در بعضی تمام شود اگر ثلث
مال و توسعه عیال ببرد و غریب را بدهد کند
الرابع و استون منقول است که هرگاه شخصی در عصر قی
رود و بدین چهار مرتبه باشد در هیچ جا نمیرسد و از برای
فضا و نشاء باید در خشت و گلدان ثلث شب
جمعه باشد بهتر است بر خیزد و وضو کند و بایستد که در وقت
نماز حجت کند و بعد از فراغ از نماز بقیه مرتبه را بخواند
بخواند البته تا آن که تعالی مطلب صبر شود و بسیار مجرب
و دعای این است یا بصره یا طهر یا سحر یا عین یا سمع

یا سمن

۶۸
ات سمن یا اکرم الاکرمین یا ارحم الراحمین و یا ارحمکم کلین
و بعد از فراغ از دعا بردارد دست سوار و مقصود
از قاضی الحی جاست بخواند در شب تعالی رست
الحی استون هر که سوار و اقلیل و سوار و استون هر یک
هفت مرتبه بخواند و بعد هر مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
تبارک الله رب العالمین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
الوطیه تا سه شب متعاقب بعد از نماز هر روزی هر شب
باشد صبر شود و جمعیت بسیار باید بشمارد آن کس
و استون ایضا مرویت که هر کس روزی بر روی
شود یا تسبیح را بدست نماید هر یک را در این اوقات
هر روز از هر دفعه باین ترتیب روزی او آتقدوس
و زیاد لعمرو از ضبط ان عجز آیه شنبه اللهم صل

ع

بنجه شند و هر که خوف و الم بر دل دارد نه میاید و در هر آ
 از این بابت ده قاف است و هر قافیر چندین صفت
 است مانند در از عمر دقوت بین و توسعه ذوق آورده آ
 که پادشاهی بود با اعیان ملک و مدبران غضب کردی
 مکر زری و مدت چهار سال و در است کرده بود هرگاه
 مرحمت که با غضب کند حضرت حق سبحانه و تعالی
 غضب بود و بطف بدل کرد بعد از چهل سال پس روز
 بود که گفت چه حکایت است هر چند در این مرتبه حور
 غضب کنم حضرت بقیة القلوب مرا بگردانید و بگو
 غیر لطف از من بگو یا به اگر ستر این دانی بر من بیان کن
 گفت ای سلطان بدان که من طغیاء بودم و قرآن را
 بقراءت حمزه یکبار قرا که سبعة است مر خواندم پس

از حضرت صدق علیه السلام
 نقل شده است که در این
 بنجه شند و هر که خوف و الم
 بر دل دارد نه میاید و در هر
 آ از این بابت ده قاف است و هر
 قافیر چندین صفت است مانند در
 از عمر دقوت بین و توسعه ذوق
 آورده آ که پادشاهی بود با
 اعیان ملک و مدبران غضب کردی
 مکر زری و مدت چهار سال و در
 است کرده بود هرگاه مرحمت که
 با غضب کند حضرت حق سبحانه
 و تعالی غضب بود و بطف بدل
 کرد بعد از چهل سال پس روز
 بود که گفت چه حکایت است هر
 چند در این مرتبه حور غضب کنم
 حضرت بقیة القلوب مرا بگردانید
 و بگو غیر لطف از من بگو یا به
 اگر ستر این دانی بر من بیان کن
 گفت ای سلطان بدان که من
 طغیاء بودم و قرآن را بقراءت
 حمزه یکبار قرا که سبعة است
 مر خواندم پس

حمزه شندم که گفت در قرآن شش آیه هست که در هر آ
 از آن ده حرف قاف است هر کس در صبح این
 شش آیه را بخواند هیچکس بد و مضرت نتواند رسانید و اگر
 پادشاه و سلطان و حکام قصد وی نماید پنج صباح
 بخواند قهر ایشان بطف بدل میشود و طریق خواندن
 این بابت آنست که در قرأت هر آیه توجه در قافهای
 آن کنند و نزد هر قاف آنکشت فرا گیرند و ابتدا از آنکشت
 کوچک نمایند و چون آیه تمام شود شش انگشتان نماید
 و پنجاه بار یا قوتی و پنجاه بار یا مافی و پنجاه بار یا راق
 گویند و شروع بقراءت بآیه تمام کنند و هم چنین در هر
 هر آیه آن اسما را همان عدد بگویند و در بین خواندن
 اسما را کلام دارند بخوانند زودتر مقرون باجاست

۷۳ کرد و ازین شش آیه هم مرتبه اند اول در سوره بقره
و هم در سوره آل عمران ششم در سوره نساء هم در سوره
مائده پنجم در سوره مؤ و عدت ششم در سوره نمل الایه
الدول الم تر الی المذبح من امرهم من بعد یوم ذوقوا
لنبر لهم البعث ان مکى نقاتر فی سبیل الله قال هم یموتون
ان کتب علیکم القتال الا انکم تتردوا لو اذنا الا
نقاتل فی سبیل الله و قرا حرج من دیننا و ابننا فن
کتب علیهم القتال تولوا الا قلیل منهم و الله علیهم بطین
الایه الثانیه لقد سمع الله قهر الدنیر قالوا ان الله فیه
و نحن غنیمتاً سکت ما قالوا وقتهم الانبیاء بغير حق
و یقصدون قوا عذاب الحریق الایه الثانیه الم
تر الی الذین قهر لهم کفوا لیدیم و لقیموا الصلوه و اتوا
الایه

۷۴ و اتوا الزکوة فمات کتب علیهم القتال اذا فریق منهم
الذین کخشیة الله لو اشد خشیة قالوا ربنا لم یتب علینا
القتال لولا اخرنا الی امر قریب فمات مع الذین قلیل
والاخره خیر من القوی و لا یظلمون فیسید الایه الرابعه و امر
علیم بن ابی ادم بحق ذوقا قرباً فمات من راحه ما و لم
خالد خرق **انما یقهر الی** لد قتلک قال انما یقهر الله
و المتقین الایه النحیه قل خرب السموات و الارض
قل انه قرا فاختدتم من غیره لایاً لیدیکون لد تقسم
نفعاً و لا ضرراً قهر ربه العزم و البصیر ام یموتی
الظنن و التورام جعلوا له ثمراً فخلقوا خلقه فقتل
اخلق علیهم الله خلق مرشیه و هو الواحد القهار
الایه التامه ان ربک یمیتکم انک تقوم لدنی

من شی

ان صدق بجزمت دارنده امرفت مهكل غشه
الرحمة كوجب عذاب شهيد و باز حضرت فرمودند يا علي كه
از مهكل را بگردان بجا ريند و بفرمان خدا امعاء امك
تو و هر كه از مهكل را بگرداند و بخورد بد او كشتن شاه
يا محمد و هو عظم و غير كه هر چه بر دوشش گرفته باشد بر خرد
الاية الاولى قلن يصيب الالهات الله ان هو يولن و عباد الله
عيتو كل المؤمنون الاية الثانية وان يسكت الله نصر فدا
له الله هو وان يردك خير فدر رد و فضايله يصيب في ش فرموده
وهو الغفور الرحيم الاية الثالثة و ما من دابة في الارض الا عنده
رزقها و يعلم سرها و مستودعها من في سبيل الاية الرابعة
ان توكلت معي ته ربي و ربكم ما من دابة الله الا عندنا صهيها
ان ربنا على صراط مستقيم الاية الخامسة و كما ان من دابة الله رزقها

الله رزقها و اما كم وهو اسمع العلم الاية السادسة و انفتح له الش
من رحمة فدا ممك و لها و لها ممك فدا من لها من رحمة وهو
الغفور الحكيم الاية السابعة و لن تستهم فخلق السموات و الارض
ليقولون الله قل افرئتم ما تدعون من رحمت الله ان ارادني
الله بضره من كاشفات ضره اذ ارادني برحمته من
مهلكات رحمة حسبى الله عليه توكل الله كلون
ان كنت من اراد ان يرفع منه البلاء و القضاء و ان يوسع
رزقه و يقهر اعداءه و ان يكون في عين الناس مغررا و ان
يوضح حوائجهم و يفرغهم من كل يوم فاتحه الكتاب مثل من رات و اما
انزل من تحت مرات و يقدر هذا الله ان تحت مرات حجر
رعد الله اما و فاطمة بنت رسول الله فوق راسه و امير المؤمنين
عليه السلام مطالب و صدر رسول الله غير عيسى و الحسن و الحسين و علي

۷۹ محمد و جعفر و موسی و عیسی و یحیی و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یوسف و داود و سلیمان و عیسی و یحیی و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یوسف و داود و سلیمان
صاحب الزمان امتی صلوات علیه و آله و ابودرود
و تعداد و حذفه و عماره و اصبیاب رسول الله صلی الله علیه و آله
عظم فروری و المبدئ علیه السلام حولی و الله تعالی ربی تعالی
من نه و تقدست اسماء و تطهرت الاوه محیط بی
و حفظی و حفظی و الله فروری و الله محیط بر هو قرآن مجید فی لوح
محمود فاته خیر حفظ و هو لرحم الرحمن یا علی یا علی یا علی
یا علی یا علی یا علی سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله
اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم رب رب الکریم و هو العلی
اولی التیم یا واحد الباقی الرابع در ادعیه قدسیه و ارد است
و ما محمد هر که ترسد از آنچه در زمین است خواه شیطان
و خواه جن این دعوی را در دفتر ترس در دل او هم رسد بخواند

محمد در شیطان

۸۰ در شیطان و جن با وسع ضرر نمیرسد و دعوی نیست
بسم الله الرحمن الرحیم یا الله الاله الذکر القاهر بقدر جمیع
عباده و مطاع لفظه غفره صلی الله علیه و آله و المضر شیهه سابق
قدرة است تکلمه ما خفت بالکبد و النهار و لا تمنع من
اردت به سوء بشر من فرزند التور و دیگر احد
میر احد و ما ترید به فریاد کلمه بر سر و در بر و قضایت
و جعت قائم الرحمن و الله طین برودن و لا نریم و لا
لکیم خائف فتنی فریاد و با هم بحق سلطان العزیز
یعزیز انی ترسید در زمان جناب امام بن العباس
عنه السلام حضور و فرموده است دفعه دورا در اشراخ خشنده
نخوت و در آتیه انداخته غرق شد و کردن دورا
شمیر برید حضرت فرمود آن بکار را دعوی می هست

محمد

نبطو میرسد امن بحسب المصطفا اذا دعى و كفى التوكل بحکم
 خفا الارض و در بقصر ازین چنین مسطور است که از همه جهات
 که خوف از سطلین درین محلی می آید راه هزار تبه خوانند
 و در آن هفته از خوف بر هر دو جانب او می آید اما آنچه
 مشهور است از اثر ارتقاات و عدل سموع شده ختم بود
 امن بحسب المصطفا اذا دعى و كفى التوكل و بحکم
 خفا و بر آن در دالتس از جمله ختمهای مجرب و عظم ختم
 سوره مبارکه شریست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 نقل است که هر که سوره مبارکه شری را از روی قضاء
 بخواند و بر این محقات امور عظیم هر روز هر روز
 بترتبه عدوت کند حاجت منبر بر آید و آن بر تمام انعام
 میرسد و کارگانی که در دل میگرد و اگر یک روز فوت شود

الهم

از شر شروع کند و این ختم را اکثر محکم که از محرمات شمرده اند
 و از غیر ضعیف است و هر که سوره شری را بخواند و نه تقدم
 و نه خزا و از مزید شود و عرش و کرم و شربت و در رخ
 و اسماها و زمینها بر او نشاند و از زمین بکشد و بجهت او استغفار
 بنماید و شهید از دنیا میرود و پیغمبر صلی الله علیه و آله با امیر
 المؤمنین علیه السلام وصیت فرموده که یا علی هر شب سوره شری را
 بخوان تا شری دنیا و آخرت از تو دفع شود و ایضا در آثار
 آمده که هر که سوره شری را بخواند متوان بخواند متجرب التوفه
 که در همه جهات او بر وفق مراد باشد و اکثر از علماء
 و شیخان دین فرموده اند که این از جمله مجرب است و از حضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است که آن حضرت فرمودند که من
 از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم عظم عدل و نوال کردم جواب داد

۲ روز

عید

عیدک با خیر و خوشی فاشتر فرشته و مرتبه و تیم و تیم پریم
 این جواب را داد و در عقل این پسر و دست و تیم و تیم
 فرمود که هر که در صبح سه بار بگوید عوذ بالله التسمیع العظیم
 و فرشته طاهر الرحمن و سه بار آیه از خمر و خمر و خمر و خمر
 هفت و نه فرشته بر او مقرر گردانند تا او را از جمیع افات
 نگاه دارند و صوت بر او میفرستند تا شب و اگر در روز
 ببرد و بگوید و در روز و در شب و در روز و در شب
 شفیع او باشد و هم چنین است اگر در شب بخواند
 و در خمر و در دست و چهار آیه از خمر و خمر
 همه در دماغ او است و اگر وضو آن یکتا بر آن
 چهار بخواند آن شریعت دفع هول و عقاب و صبح
 و شب بخواند و ما نال الله توکل علی و قدره یسئل

و نصبرن

و نصبرن علی ما ذنبونا و علی ذنوبنا فلیسوا بمتوکلون امری
 عشر همة ما و عقرب و دزد در اول روز و اول شب بخواند
 عقدت زبانیا العقب و لسان الحجة و یدت رقی بقول
 اللهم ان لا اله الا الله و الله و الله ان محمد ارسل الله
 از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هرگاه در خمر
 تر صد آیه از قرآن بخوان بگناه بواللهم دفع عنک السلام
 سه نوبت خدا تعالی او را از هر گناهی که خواهد
 از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز
 اقامت هفت نوبت بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و دعوی
 و لدعوة الله بالله العظیم الرابع عشر تعوذ منقول است
 از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام همة ما و جد عوذ
 بقره الله و قدره علی الذنوب کلها عنید نفسی ربهما

و انصرف

والارض و اربعه نفسی من لدن فی سحر اسم سرور در دایره و عین
 نفسی با نذی لکله اسم بر که و شفا ایست عشر از حضرت امام
 حضرت صدوق علیه السلام نقل است که هر کس سوره حم زکات
 یحجه کفایت مکتب است با بخواند مکتب او کفایت
 شود و بعضی در شیخ منقول است که اگر کسی سوره را بخواند
 و بخوابد در روز شنبه و پیر این باشد و در نظر حقیق است
 بهو و مردمان دور است از زندان و عشر هر کس سوره
 و التا زکات را در مکان مخوف بخواند از آن مکان بکشد
 ابد تسع عشر از بعضی از کاتب منقول است که هر که سلطان
 جابرو یا ز ظلم جابرو یا از شر دیگر خوف مرسته شد یا زده
 مرتبه بگوید یا مالک یوم الدین یا مالک نعمة و یا مالک شتمین
 از سلطان یا از آن ظالم یا از آن فتنه و هول هیچ آبی

دی

بوی نرسد و هم چنین اگر قاطع الطريق شد یا سبی همراه
 بود بر سر و چون بعد مذکور بخواند آن مانع از سر راه برنجند
 و در برسد است بگذرد و فرمود که این معجزه است و مرآت
 بتجربه رسیده و بخت پیوسته اثنا عشر اله و کفایت
 هر که بر او است نماید بر این در اسم خدا کفایت کند کار و در
 و حفظ کند و در از آنچه قهرسد و متکفل امر و بشود در آنچه
 امید یابد از آن تسع عشر هر که در جمعه بعد از آنکه نام سیدم
 نماز دهد فاتحه و اصدص و متودین بخواند هر که نقصان
 حق تعالی دین و مال او را و فرزندان او را در حفظ و امان
 نخواهد داشت و در آن جمعه دیگر العشر و در حال العزین
 سید نصر الدین علیه السلام و سید القدر علیه السلام قال
 من سب و عیب خاتم قصه حقیق متحتم فی یوم النبی صلی

محمد

۸۹
 مقبره ان یری بعد اهل قبضه الی اهل کفر و قریه
 القدر ثم قال انت یاتیه وحده لا شریک له و کفرت
 باحبت و الطافوت و انت بترال محمد و عید منتم
 و طهرهم و باطنهم و اولهم و اخرهم و قال فی ذلک
 الیوم نزل من السماء و یخرج فیها و یج فی الارض
 و یخرج منها و کان فی عز الله تعالی امدی و العزیز
 از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که این دعا را
 در صبح شام سه مرتبه بخواند خدا تعالی این کردار را
 از آنچه ترسد صحت بدهد و دوزخ نبیند و دوزم
 رسد و دوزم محمد صلی الله علیه و آله و آله و صلوات الله علیه
 است بر محمد و عید منتم و شادمان و غنی بهم و شادمان
 و طاعت محمد صلی الله علیه و آله و آله و صلوات الله علیه

۹۰
 در مقبره سطر است و سید مناجات در میان پای
 رویت کرده است که گفت بر حمانه من حضرت
 امیر المؤمنین علیه السلام نوشته دیدم و پرسیدم یا امیر المؤمنین
 این نوشته چیست فرمود که یازده کلمه است که حضرت
 رسول ص مرا تعلیم فرموده است میخواند و مرا تعلیم کنم
 که بآن در حضر و غیبت و روز از بد و جان و مال
 و فرزند ان تو محفوظ باشی گفتم یا فرمود و خیر از کمال
 فارغ شوی این دعا بخوان اللهم انی استک یا علی
 لعل خفیة یا من اسماء بقدره مدحیه یا من شمس و قمر
 بنور جلاله رضیه یا علی یا بقدره محبتیه یا منجی یوسف
 عزیز العبودیه یا من اصیر فی کفر نعمته و بلیه یا من عزای
 است عین غده مقتضیه یا من سیر له حبیب نعمتی

بقدره غنی
 الدخض مع

۹۱ و در زیر شتر صد حج و دال حج و خطی در سفری مخفی
 و پس در هر روز و خطی در هر نفسی و ای و ای و اولدی
 و آخرت و صد تبار و العز و ختم به لطیف عباد
 در او است بق کذشت الرابع و آخرین ایات مصباح
 و مصباح این است که در او است سابق کذشت بحسب
 و عشرین ایات است در او است سابق کذشت
 است و عشرین بقرآن از خوف و رسیدن بنعمت
 بسیار مانع گوید و بجهت خدا در حق بنیم اسم را با اسم
 غفور بر سر بارجه کاغذ بنویسد و آنرا قدر افروزد و بخواهد
 تسبیح و عشرین ختم بسم الله الرحمن الرحیم است که در او است
 سابق کذشت اثمن و عشرین ختم سوره بکر که هر
 است در او است سابق کذشت اثمن و عشرین

بسم

۹۲ بجهت آن یافتن از شر حق و انس و بکر و کماست
 خواندن یا نومن یا رفید است اثنتون بسبب گفتن
 یا روف شتر را زدن زهر کند و از هر خوفی ایستاده و در
 بسیار یا صلیم یا روف یا منان گوید نزد خدا می رود و بقرآنی
 و میراث باب بیستم در بیان ختم و در او است کماست دفع
 اعدا و در و کماست این و در و کماست دان پنجم
 ختم بسم الله الدؤل لک و ختم در و کماست و مقهور
 گرداند و مقدر است ریزه یا در و کماست معوذتین را
 بخواند و نسلک ریزه مار را در کوزه بنهد و درش
 گرم و دفن کند و چرخ کمرش را بر آن کشد و دشمنان همه مقهور
 گردند بفرمان خدا تعالی آتشی بواسطه دفع اعدا و کماست
 نوبت بخواند بسم الله الرحمن الرحیم و نهم شست شعله اعدا

دفع

ملوسی

موسی علیه السلام وقرآنم لی حکما قدرت با جبرتم صلی الله علیه
 و آله بخون که بعضی صحت حق صم کیم عمر فرم لا یعقون
 صم کیم عمر فرم لا یبصرون صم کیم عمر فرم لا یعقون فیکفیکم
 الله و هو السميع العليم و صلی الله علیه و آله خرقه محمد و آله اجمعین
 بسم الله الرحمن الرحیم بجزنه که بعضی صحت حق لا حول
 و لا قوة الا بالله العلی اعظم الرابع مرویت هر
 صبح در این چهار کلمه نظر کند بر خدای تعالی
 گردد و مقبول القول باشد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
 هم محفوظین غیر نفیوش فرطو طیشش مشرور و قیاسط
 انی امس از حضرت شاه و لدیت هدیه العالی
 علیه السلام مرویت حفظ لم قصه او کند باید رو برد
 او کرده امید بخواند تحتنت بذی الملک و الملکوت

۲ و پنجو دارد
براعد از عیال شود
و اگر چه نماید او
نوشته نظر کنند
۶- ص

مختصر
۱۹

۹۵
و عرفت منی اعتراف و القدره و الجبر و کلت
عنه الحق الذی لا ینام و لا یوموت و دخلت فی عزته
و فی لسانه و فی تترانه و فی کفاته من شتر اخلاق
اجمعین کسب و جمیع صلیت علیه خیر خلقه و حواله
اجمعین ات دس هرگاه بیاید دشمن سر کند ریزه
چند و بخوان بران کند ریزه و از سر او بیدار
برو در دشمن سر کفایت کند ته تعالی مقرر دشمنان را
یا ایها الذین امنوا اذکروا نعمته الیه الیه یمسکون ان
یمسکوا الیکم الیه یمسکون و اتقوا الله و عیدته
فیقولوا المؤمنون تسبیح بحمده دفع عدا و بخره انتم
ارم اعدائنا بسک الصاب و اصرقم شهابک
الثقب و فرقم جندک الغالب و بدو ششم

و جمع

۹۶
فی جمیع ملک و المذاهب و لا ترفع لهم رایت و اجمع
لمن خضعوا الیه اللهم فقت عضد اعدائنا و اکسر رکابهم
و اذل ارجلهم و زلزل جدرانهم و ارد دکرهم فی خواهم
الامن عزز الیه الکبر است و در اوست کثرت
الاسع عزز حضرت امام رضا علیه السلام است و از رافقه
اجیب گویند تقدر است که چون حضرت بقصر
حمید ای فخطبه فرمودند و ما بکنند و بحمید دادند
و او بکنیز کی داد و بشویند کنیز کرد و بالورقه بود
و بحمید داد و گفت این را در حبس حضرت یافتیم
حمید گوید حضرت کفتم و از حضرت حضرت فریاد
و این لغو نیست که از او جدا نمیشوم و اگر کسی از او
در حبس بخواهد نگاه دارد بدو از او مد فوج میخواند

عز

۹۲ حریت اور الشیطان جیم و روایت است
 ازانی اقصیت هر روز روز حضرت امام رضا علیه السلام
 نشسته بود هر روز آن روز شیدان آمد و نیز از آنجا که حضرت
 برخواست و گفت یا ابا اقصیت در این وقت مو
 منجوانه بر چرخ کار عظیم و آنکه در آنجا که من بر سر
 بواسطه کینه چند من رسید از خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله
 پس من حضرت روانه شدم تا دفتر نزد هر دو یافتم
 چنانچه حضرت بر او افتاد این عزیز را بخواند و خوشترش هر دو
 بایستاد هر دو نظر حضرت که گفت یا ابا الحسن
 ما امرکم به تهنه تو صد هزار درهم بدانه و حاجات است
 خود را بنویس تا بر آوریم و غیبت حضرت پشت کرد این هر دو
 گفت من الله کوم و الله خدا غیر آن بوسم الله
 الرحمن



۹۱ الرحمن الرحیم آنرا اخذ با الرحمن منک ان کنت تقیارو
 غیر تقر اخذت بانه التبع البصیر علی سمعک و بصرک
 لا سلطان لک علی عیونکم و لا علی سمعکم و لا علی بصرکم و لا علی شعی
 و لا علی شمرکم و لا علی لحمکم و لا علی دمی و لا علی عظمکم و لا علی عروقکم
 و لا علی عظامکم و لا علی عروقکم و لا علی عظامکم و لا علی عروقکم
 غیر و بیک بتر النبوة الذی استر انبیاء الله و من طریقه
 و الفراعنة جبرئیل علیه السلام و میکائیل علیه السلام و روح القدس
 علیه و آله و محمد صلی الله علیه و آله و الهام و الهام مطمع علی
 منک من و منع الشیطان من الله لا یغیب جهده
 انما انت ان تستقر فی و تحقیق الله الیک التجات
 اللهم الیک التجات اللهم الیک التجات اللهم الیک
 منقول است از امام حسن عسکری علیه السلام در حقه دفع
 اعداء

۹۹
 اعداد و حوائج بعد از فراغ از نماز صبح بعد از صدقه بکبار که
 قریب است به کافرون و قریب است به الله احد و قریب است به رب الفلق
 و قریب است به رب الناس همین ترتیب بخوان قبل از آنکه
 تکلیم بحدیث نماید و بعد از آن این دعا را بخوان یا مالک التوفیق
 و یا حازم الاخراب و یا مفتاح الابواب و یا سبب السبب
 سبب لبیب لا یستطیع له طبعی لا اله الا الله محمد رسول الله
 علیه و آله و انحضرت فرمودند که هر کس این دعا را
 بر سر آن مظهر در نظر دارد از غنی و ثروت و دفع کینه دشمنان
 بجز بگذران در این راه بر آورده است اگر در عشر حجت
 دفع شتر دشمن مقولست هر که خواهد از شتر دشمنی که در د
 باید چنانکه ریزه بردارد و هر یک از سنگ ریزه را
 یک بار نوشته میشود از لایت قرآن را بدو بخواند و

۱۰۰
 طرف راست اندازد و یک دیگر پیش رو اندازد و دیگری
 بطرف دست چپ و رابع را به پشت سر اندازد و دو
 شود و پنجم به دست فریاد بگویند آله اول بسم الله
 الرحمن الرحیم لقد حق القول علیکم فمهم فمهم لا دویم و حبیب
 من بین ابیهم سدا و ضعیف سدا فاعثینا هم فمهم لا سیم
 و لواء عظیم و آتذرهم ام لم تذریهم لا یچارم الم یروا کم اهل
 قبیلهم القرون انهم الیهم لا الشیء عشر حجت دفع اعدای خود
 و محارب بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی ضعیف و اعدای
 اقویاء و انت الاقوی فغیر امرهم و الغیر شریکهم و انمی عیهم
 بکمال و قوتک یا قوی الثال عشر حجت کفایت
 عیالت و بر سر عهد باز آمدن از غربت بوطن و حصول
 مرادات کل و جزو و رسیدن بمطلوبات خویش و دفع

دشمنان قور و خصمان بزرگ بزوال و نصرت بر عدوه
 این کلمات را در هزار و سیصد و هشتاد و هفت بار بخواند و کفایت
 و نیاید و کفایت نصیر او کفایت بآب حسیب و کفایت بآب عین و کفایت بآب ولایت
 و کفایت بآب شهادت الراج عشر یا بار المنشی بدش لخص غیره
 فرقتش در شرف المعادن السبعة و حمد طرد غنة السحر والعین و نصیر
 علیه عدوه اگر عشر یا کافا في الموسع لا خلق فرغ عطا یا فضله الشرح
 من خیراته اهلک الله ظالمه و من کثره کثر من اهلک الله ترخص
 من السحر و من اراده حقه من شرف فلیکته في جلد طبر بک و انظر
 ثم جعله في شکفة باب الدار التي لک الشکف المراد منه
 قضا حقه بقصر السدس عشر یا عزیز المنیع الی الی
 قد شریعت له من اهلک الله عدوه فلیکته و هو مقبول احدى
 و ستین مرة و تفضل علی عدوه فان اعدائیه یزول و یقول
 عقر

عقب قرأته اللهم عظم جوارهم حتی یلکد رول عشر ۱۲
 یا هدر الی طش الشیه انت الی لیطیق اتقا منه قید
 الاسم کمدت علی حبه عزیز و له ستة و ستون حجة
 و شمره طویس فرکتیه في صحیح صلیبک و زعفران و بقا
 لمعقود اکثر و لا ذافر علی عکر العدو ثمة و سبعین مرة و تفضل
 علی العدو فانیه یهزم و یقول اللهم فرج هم و اشف غمی
 و اهلک عدو برحمته بک یا ارحم الراحمین و من صور
 صورة من شمع احمر علی اسم عدوه و قرأ الاسم سبعة ایام
 کبر لیم الف مرة اهلک الله عدوه و ان اهلک الله
 فلیکن الشمع صفو و یقر علیه الله اسم لحاقه علی الشمع
 الی عشر یجیر المذلل اکثر شریک من سلطانیه من اهلک
 ان یهلک عدوه فلیضم ثمة ایام و یدعول بهند الله

۱۰۳
 کمتر یوم خمسایه مریه فان آیه بملکه و فی نسخه اخر مرانه
 بقدره شهر رفته کمتر یوم ششایه مریه فان نزول بعدوه الهله
 عند تمام الشهر من کتب علی درود و سوره و اللت حربی تم
 قاتر عدوه کمره و مخ خاف من طم فمره الف مریه
 الشرح شریع علی الشرح فی التمار فوق کمتر شریع شریع
 من هو ان یغلب الله له عدوه فیدریم یوم اللحد و اللحد
 و یخرج الی البریه بعد الطیب و الغنم و یقر به الذسم
 الف و سبعین مریه بینه صدقه فان تالی میضره علی عدوه
 العشر و ن از برادرین و رفع دشمن و رفع تم و تم و
 و بیمار ان و خلاصه از دست دشمن ان میزایه را
 و سرباز بخواند لا اله الا انت سبحانک انی کنت
 من الظالمین ای و سر العشر و ن رب انی مغلوب
 فاقم

۱۰۴
 فاقم هزار و یکصد و شصت و ده عدد و بجهت بر طهر بخواند
 بر آورده شود خصوصاً در طهر از بر خوف دشمن باشد انکه
 و العشر و ن بجهت بر طهر هزار دفعه ای که کفایت کند
 بخواند البته انهم کفایت شود و میزایه از بجهت شریع شریع
 اعداد و نوزدها کم کم می آید احمد دارد انکه و العشر و ن
 از بجهت صدق علیه السلام شریع است هر که روزی و روزی
 بخواند برشت خاک و بطرف دشمن اندازد دشمن مقهور گردد
 و اگر به بیمار خواند بیمار تسکین یابد و در خواب رود و اگر بخواند
 این بر دشمن و روزی و نوبت نماید از شتر آدم و دیو و پری
 امن گردد و اگر در میان آب ریخته نهند از بجهت است ایمن
 بود و همچنین از در قمار بر طم بخواند از کید او می شود و اگر
 و العشر و ن از برادر حصول علاج دهد که دشمن و من و دفع

۱۱۱ دوی حضرت نام حضرت علیهم السلام و ان است یا شد القوی
 و یا شد الممل یا غیر از ذلالت بعبادت جمیع فصاحت
 صحت علی محمد و اله و کفر مؤنه فذلک یا شئت و یا فذلک نام
 ان سر را باید کف و از او خوف دارد و باید دفع زور انجوائی
 و خواندن ایندی که بعد از فرضیه مغرب هر رکعت نماز
 حاجت بهر نوره بخواند و بعد بسببه رفتن برابر دفع دشمن
 تاثیر عظیم دارد و الله ربون دوی حضرت نام حسین علیه
 السلام است و خواندن ایندی بعد از فرضیه موجب فتح
 و فرج و غلبه بر دشمن و اسباب کارها و قضاء درین و شرح
 و یقین شهادتین است نزد موت و موجب رفعت
 انحضرت است در اخرت و در بهشت و دوی است
 اللهم انی استک بالحق و بعد عنک و کتمان
 لعلک

۱۱۲ سواکت در خدایت و انبیا بک و سکت ان
 تسجید یا فذلک و تضرع در عسراف سکت ان رصه علی
 محمد و آل محمد و ان تجدد من امر سیرا الله و الله ربون لعل
 حسن حضرت نام زین العابدین علیه السلام است و ان پنج
 پنج است اللهم انی استک بحق و کتبت علی انجیح
 علیه السلام الا کفیتی به مؤنه کمتر شیطان مرید و سلطان
 عنسید تقوی علی بیطشت و تضرع علی مجذبه انک
 جواد کریم و اینج تو هر چه منیر یافتن از شر سلطان بر
 و شیطان دارد و معزز بعون در نظر سلطان منیر است
 انی و الله ربون کتبه طور بعون غم بعون و فذلک
 از نظر در زکات و دزدان و دشمنان و اینج تو هر چه
 سداطین و شیاطین و مودیات و دفع همه بدات

۱۱۳ و اناست و عادت خواندن این کتاب و شستن
 و نگاه داشتن فایده عظیم دارد و نافع است و این کتاب
 را هم علی نقیر علیه السلام و اذا قرأت القرآن حسنت
 بیک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة صیبا مستورا و حسنت
 علی قلوبهم آتیه ان یفقهوه و فی اذانهم و قرأ فاذا قرأت
 القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم آتیه سرکه سلطان
 علی آتیه انهم اولادها ربهم تموتون علیک یا مولد تو کفایت
 و انت حسرت و ایا و فر تو کفایت علی آتیه فموجبه ان آتیه
 بالغ امره قد جسد آتیه کفایت شریقرات بارک الله ابرام
 و اسمع و استمع و یعقوب رب الدرب و مالک
 الملوک و جبرایی بره و مالک الدین و الذخیره رب
 الارسل الی رحمته یا صمد و لبسنی عفتک و از رع

۲۴

۱۱۴ فی قبر من ذرک و حب فی فرغ دگر و حفظ فرمای و نهی
 بحفظت قل من یحکوکم بهین و انهم من الرحمن رب
 عن ذکر ربهم معرضون حسبی آتیه کافی و معین و معافی فان
 تو لوا فخر حسبی آتیه لا اله الا هو علیه تو کفایت و مورت
 العرش العظیم الثالث و الدربون بجهت ضروری و برین طفر
 بر اعداد دروزجک و غیره و لود و مروض موقوف است
 بر تو مستحقین حضرت صاحب الزمان علیه السلام بجهت
 اسلوب اللهم آتیه اسکلت بحق و کفایت و حجت صاحب
 الزمان آتیه غنتی به علی جمیع امور و کفایتی به بر کفایت
 مؤذ و طاع و باغ و غنتی به فقد منع جهود و کفایتی به کل
 عدو و اتم و دین و دله و جمیع اهل دین و اهل و اهل و اهل
 یعنی امره و حجت بر این بار رب العالمین الرابع

و الله اعلم

باب چهارم در ادویه و خرم و در ادویه و خرم و در ادویه و خرم
 شده است و آن شربت الدول در طب الائمه از حضرت
 امیر علیه السلام روایت شده که بجهت ابطال سحرانید و راسخ
 بر پوست لاله بر خورید و بزد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
 الله بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم قال موسی بن جعفر
 به اسحر آن که سبطه آن که لا یصل عمده فیه و حق آن
 احق بجهت و لو که المجرمون فوج احق و طبع ما کافرا یعدون
 فقبول این است و نقبول صغیریه الله و ادویه است بهر آن
 اسحر لم یزل قریب و لم یضرب الله بانی فخر است ان یكون
 غفر فی سحر فقیه الله رب موسی و خضره و ما یزمن
 سحر بعضه و عید ما بعد الله تعالی و عقیقه لک الله
 و فیه عمر آن که سحر طبع کید هر الف و کافری سحر است

ی مد او غیر مد اعلمه اولاً اعلمه اضافة اولاً اضافة فاقطع
 من باب التحوارات اعلمه خسر رجوع غیر نافذ و لا ضار
 له و لا شکتی آنی در لغت است و سحر الدعدا فقیه
 له منهم مدافح حسر مدافعه و آنها با کرم فانه لاد قال و لک
 لم یضرب سحر سحر و سحر اولاً الثالث خلدن اسحر
 است روایت از بزرگان دین است که هر که ایام
 سحر را بهر نیت و مراد سحر بخواند روا کرد آن طوطی و مراد
 بغایت آن که خدا خصوصاً بجهت محبت و جذب قلوب صدق
 اگر بخواند یا بجهت دارد در نزد ایشان عزیز و مکرم و مقبول القول
 گفته و اسحر مفتاح است و هر یک از آن بگویند تعقیق
 دارد و بجهت دفع سحر خواندن و بجهت داشتن بغایت محبت
 صحیح و حمد است بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب

۱۱۹
الاولين رقت عليكم يا معشر الارواح الروحانية والمؤمنين
بهذه التوراة الشريفة حتى جبرئيل الرحمن الرحيم ملك
يوم الدين قمت عليكم يا ملك الموكل بهذه الآيات اصبروا
والله وحق بكائنا انك نعمة وانا انك تستعين
عليكم يا ملك الموكلون بهذه الاسماء العظام حتى لم يهر
وحنه العرش العظيم لهذا القراط المستقيم انه لقسم ليعلمون
عظيم حتى عززهم صراط الدين نعمت عليهم يا شمس تخرج الله
البرط غير المغضوب عليهم ولا الضالين اصبروا في طيعوني
يا ملك الموكلون بالاسماء العظام والاولين والآخرين هذه
التوراة الشريفة والآيات المبكيات حتى فرقت
فرقت هو الله احد وحق نور الطيب الطاهر لمصطفى محمد
صلى الله عليه واله وسلم لجمعين لقض حشر جنتي راحم
الراحمين

۱۲۰
الراحمين الرابع يا رب انشئ بدشال خد من غيره كه
در لایم باب سیم گذشت اما در باب کا فی الموضع ماضی
من غطا با فضله در لایم باب سیم گذشت ان دس
در کتاب طب الدنمه مسطور است بجهت انبرار شعر
ودفع ان در شعر لایم فراموش از نماز شب مفت مرتبه
بگوید بسم الله وبالله سنة عضدك جنت ونجده
لکما سبطاً فدیصون الیکما یا ایتنا انما و من تعجلی انما یون
باب سیم در ادعیه و ختم و اوراد و بجهت دفع بیماری
و شفای ان و در دشر است و ان بیت است
یا الله المحمدي في كل حال فرغت بدم الحجة و لبر حشانه
و اطهره و كان في موضع خال في اربع و قرأه صورة الحجة
لصدق النية و الله صدق ما في مرة قضت حاجته فما
کما

و غفور است بطریق در اول ضرب دوم کشت است
 عشر ختم لا اله الا انت است در اول ضرب سیم کشت
 ان في عشر ختم فان الله خير فظا است در اول ضرب
 سیم کشت ان في عشر از حضرت صادق علیه السلام
 منقول است هر که روزی را استه بار بر پاره بخواند
 بیارسیکن یا به الرابع عشر یا سدم هر کس این اسم را
 بر سر بیمار صد بار بخواند شفا یابد و بر دشمن هر قدر خواند
 این اسم مجرب است و بسیار گفتن المجهیه شفا
 از همه کوفتها و گفتن ان باسم ما جد موجب تنویر قلب
 و یافتن حبه و بزرگوار است این عشر عن ابی بکر علیه السلام
 ان عین علیه السلام مرض فأتاه النبي صلى الله عليه وآله وسلم
 وقال له قر اللهم اني اسئلك تعجيل عافيتك او صبرا على

درود یا من الدنيا الى رحمتك و عن الصادق علیه السلام وضع برك
 على الوجع و قر سبم الله ثم اسبح برك عید و قر سبع اعدو
 بغرة الله و اعدو بقدره الله و اعدو بحمد الله و اعدو بفضله
 الله و اعدو بجمع الله و اعدو برسول الله صلى الله عليه وآله و اعدو
 باسم الله من شر ما اضر و من عاف عاف عن نصرتك است
 عشر در عبد الدین روایت کرده است مردی دردی
 مبتلا شد و اطباء را معالج نمودند و بجز عتراف کردن روزی
 که به آن کشت عید را کشود که در اول صفحه نظرش بر آید
 حدیث افکار حضرت صادق علیه السلام فرموده که
 عشر داشته باشد بعد از این صبح هر روز آن را بخواند
 پنج چیز روزی بر آن مدد است کرد شفا یافت
 و بعد از آن نهمه بسیار را از آن نقر کرده و این

۱۲۶ کنند و دفع سوم قانده نایه آلسع عشره حقه شفا امراض
و بیمار و دفع امراض ظاهر و باطن و سددت ابدان
منوطت بر دست حسن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
بر این پنج آیت که از اسکنجی و لیک موسی بن جعفر
الاعظمی در جمیع حوارج ظاهر و باطن و دفع
عقرب جمیع الدلدم و الدسقام یا جواد یا کریم یا رحیم الرحمن
و غیر این شایسته خصوص در اطفال قدر نقد نذر
آنحضرت در زیر بالین گذارده فردا آنکو تصدق و شفا
از آنحضرت کنند و احوال شفا یا خصوص بجهت در چشم
مغرب است العشره و آن دعا حضرت فاطمه علیها السلام
از برادر دفع حمیر فیم سلمان فاسر نموند و او زیاده از
هزار کسر شفا داده بود در شام و صبح بخواند بسم الله

النور

۱۲۸ النور بسم الله نور علی نور بسم الله النور هو نور الله و بسم الله
الله خلق النور من النور و انزل النور علی الطور فی کتاب بطور
علی بن محمدر احمده الله هو بالغیر مذکور و بالغیر مشهور و علی التاء
و الضراء مشکور و صلی الله علی محمد و اله الطیبین یا شمس
دراد عیه و او را در و ختم مجرب صحیح بجهت ادا در دیون دارد
شرکت و انیت است الله اول در الحارم الله
سطر است از حین این خلد منقول است گفت مرا
در بغداد سیصد هزار درم و نیم شد و چو چهار صد هزار
دیگر از این بود و قرض خوانان مجال نمیدادند و قدر نفهم بود
امیر المؤمنین با روم و احوال خود عرض نمایم پس که تبرک شستم
و در آن وصف حال خود کردم و قرض خد است
و مال نیست پس جواب نوشت که کور در حق هر نماز

نور

۱۲۹
 سه مرتبه اللهم اني استسكنك لاله الدانست حتى لاله الله
 انت ان ترخصه لاله الدانست اللهم اني استسكنك لاله الله
 الدانست حتى لاله الله انت ان ترخصه لاله الله الله
 انت اللهم اني استسكنك لاله الله الدانست حتى لاله الله
 انت ان تغفر لي عبد الله الدانست را و سر كويده بيميد او
 كردم والله چهار ماه گذشت و من فرج او شد و صد هزار
 درم ديگر فضايله آن في يكبير انت الذر لاهندي
 القلوب لعظمته من صام سبعة ايام ولم يكبر لي و فرج
 هذا الله سمع كل يوم الف مرتبه و وطيفته الرغزل منها
 ميريح بشرط ان يكون عودته و حكمه و من فرج و كان
 عليه و من فرج فضل الله ان الذر و سمع كل شيء رحمة
 من الله فرج الله فضل دينه و الفقر في قلبه ان من محبة و الفقر

۱۳۰
 الرايع ختم المصطفى است و در ستم هي در هم رباب
 هم كذشت المصطفى ان از نه است و در او اسط باب
 اول كذشت انت و ستم و العاديات است و در او اسط باب
 اول كذشت انت بع ايات است و در او اسط باب
 باب اول كذشت انت شرح دعوت است و در التوبع و اخرون
 باب لقمه كذشت انت مع ختم لذا وقعت الراقعة است
 و در او اسط باب لقمه كذشت العاشر خواندن اذا دققت
 و الم شرح است بطريقه كه در او اسط باب اول كذشت
 احدى عشر نماز امام جواد عليه السلام است كه در او اسط باب
 اقمه كذشت انت و عشر ختم لاله الله انت است و در مشرون
 باب سيم كذشت انت و عشر ختم فانه خير فقط و هو ارحم
 الرحمن است و در او اسط باب سيم كذشت الرايع عشر كذا

المال غنم عبده وياهم الله فاشع واشع وفطر انفق على
 الفطاطه والذين غنموا من فطاطه فطاطه فطاطه
 ما طيب الله ما طيب طوبى اليك ايها الذي يفرج الله
 ففرج الله في التمر من فطاطه فطاطه فطاطه
 فافضله يا فطر الله فطاطه فطاطه فطاطه
 في الله فافضله فطاطه فطاطه فطاطه
 ولا تغفر الله فافضله فطاطه فطاطه
 ولديته اليه غنم الله فطاطه فطاطه
 جوارده عليه السلام فطاطه فطاطه فطاطه
 في الله فافضله فطاطه فطاطه فطاطه
 اللهم اني اسئلك بحق فطاطه فطاطه
 على فطاطه فطاطه فطاطه فطاطه

فمزارك وغنمك فطاطه فطاطه فطاطه
 ليك ايها الذي فطاطه فطاطه فطاطه
 في الله فافضله فطاطه فطاطه فطاطه
 في الله فافضله فطاطه فطاطه فطاطه
 في الله فافضله فطاطه فطاطه فطاطه
 في الله فافضله فطاطه فطاطه فطاطه
 في الله فافضله فطاطه فطاطه فطاطه
 في الله فافضله فطاطه فطاطه فطاطه
 في الله فافضله فطاطه فطاطه فطاطه
 في الله فافضله فطاطه فطاطه فطاطه

و سبب العافية من غير خلق به وهو يكاف فيه قهره
 و تشب له قهرى و يظهر بمارسته شغفه و انفعه ببارت
 من ام اليم و غيره و شغل الذم و سهر فصره على حجره و له و احدته
 نه و استجیر برب من ذلته في اجتهوده و منفعه بعد الوفاء فصل
 على عمه و والد و اهل بيته و سبب فصره و كاف و اصره اللهم صبره
 و له و احسنه الشرف و الدرياد و قهره بالبدل الله قصا و عظمى
 حسن التقدير و ابره بطنك عن التذير و ابره سبب اجدل
 ارزاقه و وجهه في ابواب التبريق و داره من المال ما كيت في
 حنجه لوقا يا الابرار تعقب من طغيان اللهم حب الى الصبر
 و غير على صحتهم بحسن الصبر و زويت عن من سبج الدنيا القاة
 فاذ فرقه في صرته الباقية و ابره ما عولته من خطها محمدا
 من عنى بعة الاحرار و وصته الاقرب و ذريعة الى
 الحسن

بسر كاهن

رزق

برق و ياب

الملك الفضل العظيم و انت بحول الكريم باب من منى عن
 خواصات محجرب و امير اركان تقات از جبرئيل
 صادره و ناد عين نظهر العجب تكمه عنك في التواضع
 كثرتم و غم سينجى بولاديتك يا عيسى يا قاي و سبب نزل
 كلمت تقات ان لوجه غير ذرار برنوك و كثر اسد
 و حضرت رسالت به صبا الله عليه و له و ريسان كشكان
 كشت جبرئيل عليه السلام نزل نمود و ان طاعت را اور پس
 حضرت محمد صلي الله عليه و له از جبرئيل سوال کرده و عيسى
 بما تواتر رسيد عرض كرد بياي سوال كه پس حضرت را كشت
 فرمود كثرتم و غم سينجى بولاديتك يا عيسى يا قاي حضرت
 امير المؤمنين عليه السلام را را و كثر حضرت نه و بان كثر
 نموده و بعضى را بقتل رسانيدند و بعضى را شديداً و شكر

اسد

اسامی که گفتند سبب گرفتند و در این کلی است
 روایت است از هر دو این است که منظر العجب بفتح میوه
 و نیز تقریر غیر چنین خواهد بود بخوان از خودی راه که خود ظهور
 می بیند و غرایبها است در روایت دیگر منظر العجب است
 بضم میم و کسر ما و نیز تقریر غیر چنین خواهد بود بخوان از خودی
 و او نماند و لفظ کنند عجیب و غریب است در این کلی
 چهار ضمیمه گفته شده اند که کسر درین جمع گرفتار
 به هم باشد و یکی خود در مانده است با نوحه بخوانه و یکی
 ایشان بود هیچ ضرر بود بر سر نه هم که کسر و از دشمنان
 خوف باشد و بر خواندن این کلی است که او مستغایه
 هر روز است و هفت بار بخواند دشمنان او بزد و مرقور
 گردد و نیم آنکه کسر را سحر کرده باشند این کلی که هفت بار

برابر است و بخواند و بدان است غیر گفته و قری
 از آن است بخورد سحر طبع کرد و چهارم اگر کسر را زهر داده
 باشند این کلی را از دشمنان بخوان بر کاسه صندل و سینه و دست
 و یک بخواند و او در دهنه بخورد زهر بود کارگر نباشد چه هم ملکه
 بخم اگر کسر بیمار شده باشد و اطباء می علم از حدیج او و غرض از این هفت
 این کلی است برابر است با آن خواننده و او در دهنه بخورد شفای
 چشم اگر کسی را قهر دشوار شیرایه یا الم بود بر سر نه از این
 کلی است را به این نیت بخواند غم او بشود برسد ل کرد و مقیم اگر کسی
 غصه کرده باشد و آس توهم باشد بخواند و یک را این کلی را بخواند
 که در برابر شخص بزرگ رود و هم سه بار دیگر بخواند و هسته بخور
 ده بهر ضرر چشم او ببرد ل کرد و مطبف و چهارم فی چشم اگر کسی را
 بر سوز بکشد و فرستند و این کلی است راسته بد است و کوش

۱۳۹ روز نهم البتہ رسالت او مقبول گردد و هم اگر کسی در اول صبح
 روز جمعه از ده بار این کلمات را بخواند یا هر کس بخواند پنج مرتبه
 او گردد و هم اگر کسی بقیه گرفت بجهت باشد این کلمات را صبح
 چهار بار بخواند در خود ده مرتبه از او دفع شود و حدیق بیهوش
 او سخن گویند یا در هم اگر کسی از کلمه دفع بخواند از این جمعه
 پس دفع بخواند البتہ دفع شود و هم اگر کسی از کلمه
 غفر شدن هر بار ده بار از ده بار بخواند غفر و بی نیاز شود و هم
 از بقیه نجات دهد و هم در وقت هر روز سه و یک بار بخواند
 کلمه چهارم که کسی از کلمه الفی و اعداد هر روز هفده بار
 بخواند البتہ بر اعدای ظفر یا به یا نزد هم اگر کسی از برای خفا
 در وقت حاجت بجهت بخواند از چشم دشمنان محبوب
 گردد و شش نزد هم اگر کسی از برای بسته شدن مرزبان اعدا

۱۴۰ ده روز هر روز ده بار بخواند زبان اعدا بر او بسته گردد و هم اگر
 کسی از برای تحصیل مرادات هر روز سه و یک بار این کلمات را
 بخواند مرادات او بر آید و هم از برای شفا از امراض هر روز
 و هفت بار بخواند شفا یابد و نزد هم از برای چشم زخم و عقلتان
 سه روز هر روز بیست بار بخواند از چشم سحر ان کلمه گویند
 که دهم از برای کشف گنیز هر روز هر روز هر روز بخواند البتہ
 بر دوطرف هر گردد و اگر شهادت در وقت خواب بخوابد
 ان تمام کلمه کفر باشد و هم از برای خواب دیدن حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله هر شب هفت بار بخواند این را خواب
 چندین روز هم از برای خلاصه محبوس هفت روز هر روز
 شش نرده بخواند البتہ خلاصه یابد و هم از برای افتتاح
 ابواب اقبال هر روز بیست بار بخواند ابواب همه را

۱۴۱
 بر سر کوش ده کرد سپیدم از بر سر بریدن قنات و انام
 ان هر روز پانزده نوبت بخواند چهارم کرد سپید و پنج از برای
 کشف اسرار بخوابد از پیش نوبت بخواند چهارم روز علم زیاده
 مکشف کرد سپید و ششم از بر سر قنات دشمن و دفع ایشان
 هشت روز هر روز هفده بار بخواند البته دشمن را دفع کند و بر سر
 از بر سر محفوظ بودن از شر دشمن است روز هر روز هفده بار بخواند
 و با بر سر ایشان و مدد البته از شر ایشان را دفع کند و ششم
 از بر سر تحصیل علم است روز در وقت نماز نشین هر روز هفده بار
 بخواند یا همشاه بخواند در حکم و عیدم بر سر کوش ده کرد سپید
 از بر سر ایشان هر روز از نوبت بخواند البته ایشان را
 بر سر از بر سر بدین پنج روز هر روز چهارم بخواند البته فتح
 ان شهر را نماید بر سر یکم از بر سر دفع در حاجات و قبول حاجت
 کوش

شش روز هر روز صد بار بخواند البته صاحب جاه و مقبول ۱۴۲
 القول کرد و سر و چشم از بر سر زیاده اقبال بمقصود صحت
 شش نوبت روز هر روز بیست نوبت بخواند صاحب عزت و دولت
 کرد و سر و چشم از بر سر عزت و دولت هر روز ده بار بخواند صاحب
 اقبال و عزت کرد و سر و چهارم از بر سر خضر و عداوت میان کس
 پس روز هر روز بیست نوبت بخواند میان ایشان عداوت
 لغت کرد و پنجم از بر سر انتقال دشمن از محل خود هر روز هر روز
 بخواند البته دشمن را از آن مکان دور کند و ششم از برای
 دفع اختلاف و عداوت میان جمعی است روز هر روز
 سر و نوبت بخواند البته عداوت از میان ایشان بجای
 شود و هفتم از بر سر مقهور شدن اعدا و شکست ایشان
 پنج روز هر روز صد بار بخواند البته مقهور گردند و شکست ایشان

تغییر ماه روز یک روز یک ماه یک صبح یک چهار روز یا
 چهار ماه یا یک سال برای معصوم رسم یافتن بیمار طفل
 روز صحت یا بن نذر کردم هزار و چهار صد مرتبه یا چهار
 هزار مرتبه یا چهار ده مرتبه بگویم اللهم صدق علی محمد و آل محمد و اب
 از اهره کم بجای نام موسی کاظم علیه السلام و این ختم از بارشفتن
 بیمار آن حکم یک بر احمد دار پس اگر گشت که تا خداوند عالم
 حاجت را در ارضا کرد و آن بیمار شفا یافت یا ن وعده نذر
 بخشنه و فاکند و بعهده نذر و حاجت است و تارک ان معون
 دائم است و نوع چهارم از طریقه ختم صورت است
 از بار ارضا حاجت و دفع بیست و نعلی از کاه و کدورت
 و رسیدن بقصد و مطالب چهار ده هزار صورت نموده
 هزار صورت را تمام کند از بار و چو معصومین است

دقرب

دقرب میکند هزار اول را بر و چو پنجم صبح آه علیه و اله و هزار
 و چهارم را بر و چو پنجم صبح علیه السلام و هزار و پنجم را بر و چو پنجم
 علیه السلام و هزار و چهارم را بر و چو پنجم علیه السلام و هزار و
 تا صبح علیه السلام و در آن ختم یا در همان دقیقه بعد از آن نام
 ختم ان حاجت را آورده میشود و چو پنجم علیه السلام را در میکند
 نوع سوم منقول است از بار بر طریقه و هر چهار نوع را در
 بسته قضای از ارض حاجت یا هر روز هزار مرتبه صورت
 بر کمر و آل محمد نموده تا ماه متوالی و هر مرتبه تمام شود یا
 تا آنکه تامل بر آورده است نوع چهارم از بار ارضا حاجت عظام
 و انجاس هم و در آن از هر یک از جمله ختم یا بی از شصت هزار
 کند تا ده هفته و در هر شب در نصف شب بخواند و باید اول
 غنم کند و یا شهاب و زیت شرب اول بگوید اللهم صدق علی محمد

وال

۱۴۹
و این دعوت پسندید است و آن است و هر کس
در این دعوت بخواند عیب نیست از حاجت نصرت بخواند و بعد از آن اندک
بخواند میز از آنضا لقیات الامور ففتح لها بابا لا تصد اليه الا بام
ضقت علی امور ففتح لها بابا لا تصد اليه و هر کس این دعا را
تشریف ببرد و با دعا چه بر وجه آن دعا خیر خلقه محمد و آل محمد
بر آن دعا هر کس از حضرت امیر المومنین علیه السلام بجهت هر کس بخواند
خواندن آن بهشت روز هر روز هفت مرتبه بخواند و در روز
و هر کس این دعا را بنویسد و در برابر دعوت آن دعا بخواند که
نظمها بخواند و غریبه ایراد کرده اند در همه این دعاها
این دعا که مختصر می شود از آنجمله کوه هر روز از پیش او
گفته بود و از خوف مضطرب گشته در پیش او
مکوبید و این دعا را بخواند بصدق و خالصت مدین

مداومت نموده و هر کس این دعا را بخواند و در روز
بهر سید بود و در روز آن دعا بخواند و هر کس این دعا را
مضطرب است از این دعا خیر بصدق و خالصت مدین
و کلمه لطیف خضر بدق خفا غفرهم الزلا و کلمه
تأبیه صبا و تأتیک المصرة بعثی و کلمه
بهر سید و فرج کربه اقلب الشجر از آنضا لقیات الامور
بوا فتن بالواحد لغزو علی تأتیک الشجر فطر خطب
یون از آنضا لقیات الامور ففتح لها بابا لا تصد اليه الا بام
کلمه لطیف خضر غامه در ادای و در لطف است
به آن دعا از بر ادای و در لطف است از آنضا لقیات الامور
و خود را خوشتر کردن و در فتن بهر سید و صدقه دادن و
قبضه و عفو داشتن بیکه خداوند قادر است بر این دعا کردن و

۱۰۱ حسن ظاهر شوند در تعجب اوست و توقعه کردن لقب
 و اینکه لوال کنند هر مرد را و قطع هر مرد را و چهره چش
 قش چهره و نوراد بجهت به و سزاوار است از کلام و عی
 بان که این ششم خود را از هر اسم روزی در کتب و کتب و کتب
 کردن و احیای کردن دردی از حضرت تا قرعیه است
 و احیای کند عجب نور خداوند در هر کس که بخواهد بر او در
 و بداند که دردی است که بخواهد که استند و وفای می
 نشینند و در باز بکنند و بکنند و بکنند و بکنند
 خود را بقلب و دست و کلاه و بعه ظالمین و کلام مرام
 و طبع بهینه هم چنانکه همه آنها را از کتب و کتب و کتب
 میوه روزی که از آنکه کشت بر باز که پس جمیع شدند
 مردم بر او و عرض کردند این رسول که چه عمت است
 ۵۲

۱۰۲ و ما بخوانیم خداوند را و دعا سواستی بخشود و حال آنکه
 خداوند فرمود و عیانی است که کسیران بزرگوار و در
 و فرمود بر هر مرد قوت شب مرده بجهت ده چیز اول آنکه
 خداوند را و طاعت میکند و در هر یک که بخواهد بر او
 و عمت میکند آن سیم آنکه او می کند محبت بر خدا را
 و حال آنکه دهم سید را و اول چهارم او می کند عداوت
 شیطانی را و دهم سیم او را پنجم او می کند
 محبت بهشت را پس عمت میکند از کلام آن ششم او می کند
 رسیدن از آنهم را و حال آنکه به نهار خود را و در آن که می کند
 هفتم شمول شود به عیوب و سر و نظر از کتب و کتب و کتب
 خود ششم او می کند و خبر دنیا را و جمیع می کند اموال دنیا را
 هفتم او را که می کند و حال آنکه هفتم ششم او را

از کتب

۱۰۳ از برادران دهم که دفن کنند مردمان خود را پس
 عبرت بگیرد پس از این جهت است که نباید نمود و در حق
 نهادن حضرت امیر علیه السلام مرید است که هر کس
 از حال حرام پوشد قبول نمیشود تا روزی که هر کس از آن خود
 کند بدست می دهد خداوند بزرگوار است از این جهت
 بهمان روزی که بپوشد عمر مرد مراد و حال آنکه بر او باشد پیرانه زایل
 حرام و قال الصادق علیه السلام روزی که حرام بعد از غدا
 سبعین حجه میبرد و از آنکه لمطالم اهل و تبعات المخلصین
 مردود اند و بدانکه خداوند عالم میفرماید انما یقبل الله
 من الخلق و حصه فرجه قهر کردن عبادت و در حق
 و تقوی است از آنست که حرام و شبهه و
 از آنکه بر نفس اثر ندارد تا نباشد و جهت است

یا

۱۰۴ در ادب و شروط است نه استخفاف و دور اند ۱۰۴
 الصیحه المحترمة باسمه بالکمال المحترمة فی لینه اخذ من
 محرم احرام فی سنة ۱۳۰۰ ثمانه بعد الداف
 من الحرة الهوتة کتبه لصدا
 محمد بن ابراهیم

الدعای

۲۲



بجای آنکه او بپوشد و نه قبال
 بقدر الوسم و الطم و الاربع
 و نحو ذلک و نه استخفاف
 المذنب الصالح



بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم اني ارجو ان يكون لي
 من الدنيا ما ينفعني في الآخرة
 ومن الآخرة ما ينفعني في الدنيا
 اللهم اني ارجو ان يكون لي
 من الدنيا ما ينفعني في الآخرة
 ومن الآخرة ما ينفعني في الدنيا

ابن الدنان بن عاتية واهل البيت القاتية مشرقة الله هو العدل الم

لورده احمد راجا رام اجاسي المبرقع بعلاء بهيب الله محمد المصطفى صلى الله عليه وسلم

الحمد لله

الزبداء اقبل عليه بقصود يستقيم -
وعلى تانيه من شرطه لعله

الحمد لله

الله انه يخافه محمد بن ابي جعفر اربعة اجابته عارف الله سر العباد
 موضع تراه من كل مكان الصمد حافظ الدين في حبه العلم
 وحمدان انفسا من رب السلام كيف يعرف بعين الشهود
 روح المراتب فوق البرج فبرزت العلوم للذات لا تصنف انت
 نور النور الذي في شجرة الدنيا مع الكمالين اية حجر الخضر عليه السلام
 لا يدركه عين ولا يدركه بالية اعيان المتوسد بالشهود ايضا
 مركز عالم الخلق من الواحد والجميع من عارف عيان نور الله
 وسموه الله المتحقق بالكمال الاظم نقطة دائرة الازل والابد المتشخص
 الاله فاحتمل كتاب الشهادة والولاية ايامه القدسية جميع الوجوه
 الحقيقية الكلية الشهودية كيف الله صا حب اعدته كغير الذين
 الاراث الشخصية سيد المصلين انما يخرج تحت طي الدين والوجود
 بعين لغز الله مضمون الدبر مدق الذوق والشوق الدشوق

ما علم

الوجود

المتحقق

الاراث الشخصية

الوجود

مطرب

مطلب المحبين بقصه لثاق مقدس غفر الله له اربعه اجابته
 صوات تبه وسلامه عليه في الجنة رعد آدم اهل البيت المنزه
 غفر لك واكيت روح جسد الله انه من فلك الشهادة مضمون
 كتاب البرج حتر تقيته الاضلاع سر الله في الوجوه ان عين الشهود
 خازن كنوز الغيب مطمح نور الدين كاشف سطور اعراف انجته
 القاطعة والدرة للدمعة ثرة شجرة الطوبى ايقه سبه ازل الغيب والشهادة
 الشراذم في سر اعبائه وقد الدوام في العباد ايام المصلين ومجمع
 على اهل المحسن صوات تبه وسلامه عليه ملوكنا فخر ابن عاصم الازلي
 دعي باقر العلوم شخص العلم والعلوم طقة الوجوه نسخة الموجود
 اتمام المعارف المكشف لكاشف الحجة اية في الجا
 النور المنبسط على الدار حافظ معارج اليقين دارت علوم
 حقيقة آفاق الطهوية وحقه آفاق انورية العباد

ما علم

المارة

محيط الفضل والكرم من تر التبر حندين الدرداح ليعقول
 ادب بعتة السماء واثرون قوران الحاف النون وغاية
 ليد بار محمد بن علي اكلو عليه الصلوة والسلام مولانا بعتة زاعبا
 محمد صوات ته بعتة عليه وعلى الذكر الحق لمن ته انفق
 بان اصدق باب تهم صدر المعارف وعين بعتة علم
 منجرب بعتات سقيا صواب الضميمة البعت
 عين الدرداح افروز صهر الاخرع حجة الكونين محمد لقين
 مفتاح خزائن الوجوب حافظ مكن الغريب طيبا جلاله
 والله بعتة بن محمد صوات ته بعتة عليه مولانا بطلع النور
 اخبرني بعتة بعتة عليه السلام وعلى البحر الزخار بن افاض
 للرباب التهم واثجة على ذر الجحيم معرف صديقي
 الربانية منزع اجناس العالم السجانية مخفاه قاف اقدم
 اقام مرقاة الهمم وعاء الامانة محيط الدامنة مطمع
 مصطفى محمد بن علي بعتة عليه صوات ته بعتة عليه

مولانا

مولانا سيدنا ناظم ظلم السرور الى اقام محمد بن علي بعتة عليه السلام
 وعلى اسرار ايتية ونفس الدرداح القدسية معراج لعقد رخصه صدر
 قطب من الوجوه مركز دائرة الشهوة كمال النشوة منث الحمار
 جمال انجم وجمع اجمال الوجوه لعدم العلم المرجو من نخوة
 النابت في الولو احمد المرات المصطفية المتحقق بالسرور
 المشرع بالذود الدلتية المربى بالاسرار الربوبية فاض احقاني
 ق م الدقايق بشهوه الاسم العظيم الدلتية المشرع
 غير المتناهي غواص التيم الرحمانية مسك الدلتية الرحيمية طويلا
 الدلايمية نار شجرة ان لوتية فارس ته الكبر غاية لشبه مولانا
 الله هو الحق بان ناظم ظلم السرور الى اقام محمد بن علي بعتة عليه السلام
 عليه الصلوة والسلام اللهم اني اشهدك ان مولانا بعتة عليه السلام
 ومختلف ملكته ومهبط الوحي وان اعلم بعتة بعتة عليه السلام
 الرحمة واهل الكرم وقوة الدم وفي صر الدرداح وعلم الدلتية
 للرباب الليمان وصفي الرجال وسلكه بعتة بعتة عليه السلام
 عمرة صفوة اهل صوات بعتة عليه وعلى جميع
 صرة احمد الفرحان الدرداح

[illegible][illegible]

شرح دعا برزگوار جناب امام محمد قمر علیه السلام
در کتاب جمال الکبیر سید ابن طاووس علیه السلام معتبر
روایت شده از محمد بن عیسیٰ جعفی بعد از گفتن خردا
مراستید عبد الغریر ابراهیم الحسینی و لوا را عبد الله الحسینی
و ایشان را جناب محمد قمر علیه السلام در میوه هر که اندی را
مرا دست کند خدای تعالی جمیع گناهای او را عفو فرماید
و عذاب قبر آن نبرد را باشد و بخلاف سالی
دی از درهای بهشت بر قبر آن نبرد می کشد هر که هر روز
مرا در حور لعین بر زیارت آن نهد می شود حضرت قمر بود
اگر مردم بداند آنچه با سید انیم در خط میثاقان منبرها
و موعظه است حقیقتا را بر این نبرد روز الیوم الثور
است از نهدی بر میسازد و هر که اندی را بخورد دارد
عفو

همیشه در میان مردم سرخ روی و عزیز و گرام باشد
و هیچ سجده و روی کارگر نباشد و در سفر و حضر حفظ
باید تعالی کرد و در جنگ تیغ و کلاه بر روی کار نماید
و اینان صحت و سلامت برود و در خانه هر منبرها
باشد خیر و برکت پیدا شود و از نظر دیگران و عدلان
ایمن کرد و حضرت فرمودند اگر مردم بداند عظمت
جلیل اندی را دست از همه نبرد برسد از نهدی را
لورا خود سازند و اگر تواند بخواند نوبت بر باز روی خود
بند و باز همان نبرد سکند و اگر خواهی در دفع دشمن کنز
باید نبرد کنی و شصت بار اندی را بخوانی در بر خود می
و حیدر دشمن بر تو کار نکند و بزودی مغلوب گردد
و اگر کسی بسیار مریض بوده باشد اندی را بر کافیه

بنویسند و بش را بدان مرض بد مندره اهل صحب
 و حضرت [و مخرج نبد عا لیسیت مختصر کرام محمدی
 بسم الله الرحمن الرحيم حسنا الله ونعم الوكيل نعم
 المولى ونعم النصير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
 لا اله الا الله وحده لا شريك له محمد رسول الله و قد ولي
 السيد الصادق الكريم اللهم صل على النبي الامي
 العبد القسبي المكي المديني الابطي التهامي اللهم
 صل على امرئ محي الجنبي واله بلد حصر اللهم اننا نسلك
 بحق على امرئ رضی امير المؤمنين العلي اصدق على
 و صداقة و رفق على و رفاقة و سلم على و سلمه
 و علم على و رايته و فخر على و همادته و قوة على و خدقته
 و علم على و صلاته و كرم على و كراته و غزاة على و شجاعة

والم

و صبر على و طاعته و حكم على و عداله و زهد على و عبادته
 و عصمته على و طهارته و قرب على و قرابته و ضرب على
 و بسانته و مدی و هدایه و حب على و ولایته و تولی
 على و كفايته و قوته على و دروته و رعایه على و حمايته و نصرة
 على و حمايته و صفوة على و صفائه و غفوة على و وفاقه و جبر
 على و تغبره و تحمید على و تكبیر و تحمید على و توحید و ح
 على و تهليلة و تعظیم على و تفضیل و تكريم على و تجلیل
 و ورع على و تقوی و مته على و فتوی و خوف على و رجا
 و تبته على و رجوعه و خضوع على و خشوعه و قنوع على و جوعه
 و استقامته على و رجوعه و كشف على و شهوده و عطف
 على و جوده و وجد على و وجوده و قیام على و قعوده
 و ركوع على و سجوده و صلوة على و صلاته و صیام على

عالم

وذكره

وزكوة وفكر عتق وفرسته وذكر عتق ودرسته وحج
 عتق وعمرته وفوج عتق وزمرته ولبط عتق وقبضته وفل
 عتق وفرضته وسياسته كتاب عتق وكرامته وعقل
 عتق وكياسته وجمال عتق وجلاله وكمال عتق وولاه و
 عتق وخاله وثار عتق وسماة ودارت عتق وصفاته ونصر
 عتق ووجهاته ان تجعلني في الدين والدينا عزيزا حبيب
 عين الخديق جميعين وان تقضي حاجتي وحوال جميع
 المؤمنين والمؤمنات ومن هو مولقي في دين الاسلام
 وحضرتي من رفاقة وعامة ولانته دلرته وصديق
 وذلته وعنته وقته وهدء وزلرته وبرص ومرض وفقر
 وفاقة وحرق وخرق وخوف وسوء وضر وبرد و
 وعنى وجوع وعطش وضلالتة ومخنة ومشته

ويسته عتق

في الدين

في الدين انا انت لا تخلف المعاد يا مالك يوم
 الدين اناك بعبد واناك لتعين وصلي الله على محمد
 وآله الطيبين يا ابا الغيث اغثني يا الله صدي وعينك
 مددي وعيدك معندي بحق محمد العربي ناد عليا
 العجايب كنهه غوما لك في التوارب كل هم ذم
 سينجي لعظمتك يا الله فتوتك يا محمد لو يدرك
 يا علي يا علي يا علي واسلم حوره احمد ابن محمد علي
 كلام سب بسم الله الرحمن الرحيم الى الابد امير المؤمنين
 اللهم اني استكبح تحاق الدلتية ولعوت الدلتية ولعقت
 الربانية والعدسات لقمته لاقام لونه ولعقت ملكوته والبد
 السماوية والادلاك القربة والافلاك الدائرة الزمانية
 ولعوت الالاهة في عتقتك على طي اليموتية والعلوم المظلمة

يا مولاي



بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بجزه دشای بعده حضرت قادر که قرآن مجید و فرقان حبیب
بر ما فرستاد و کلمات نعمت ایمان و عرفان بجا داد و تقه است
اساوده و تترست کبریا و ده هزاران جملات صلوات
نامیات و تحف تنجیات زاکیات بر مرقه تنور و سحر مطهر
کائنات و زبیره مخلوقات آن سیدی نام بارش خوان صحیفه
منشآت و سر دفتر رساله مخلوقات علیه صلواته و فضله
و منجات المکملات و برآل اصحاب او که بشوایان و ذمه و دایان
بارگاه یقین از رضوان اله علیه جمیع اما بعد پوشیده است
تحقیق و تحقیق و استقیق و اول الدلیل و الترفیق و استن علم
قرأت از راه مطالب و عظم ناز و غار و در دست
و این فقیر حقیر از مجاهدین ضار و لا سمر قمر ترست مدیه مطاعه علم قرأت

نام فرلف

د/

و تجوید و علم تفسیر کرده و عذر مست ستم داران تقه که در ما و در آنهم
و بعد در حساب بجهان نموده و زایشان مجاز و عایه چهر کرده
پس جزیر از این علوم که تعلق به تجوید قرآن داشت و مخصوص به عباد
و راویان که ابو بکر و جعفر است رحمهم الله ذکر کردیم و آنچه تعلق به
قرأت داشت از تجوید و قواعد و اختلافات راویان همه را درج
مبتین ساختم و چنان درین بلد دیار قرأت متعارف بود بر دستار
و کردیم این را تحفه سلطان علمایان بجا آردیان خلد خلد
و اظنین و خفیه فی الدرضین نقطه دایره پادشاه و مرکز شهرت
قطب فک خدفت در برج شرف که هست بر آسمان عادت
و نیز از ارقاب ساء لغت و کلمات و الی الود الودیه و الدقایق
مالک میرزا آخوندی بالدرست و الاستحقاق تهر رايات العدل
والحسن باسط خیمه الدخ و الدخان کاشف ستم و استحقاق عارف

نام کتاب

۸۸

هر از آله قایم رافع رایت به علم الی انیة القصور منظر لیس آله علی
الموت من استا بالتائیة و التملین منظر علی العذر بالفتح ملین و
ملین منظر منظر مستعان ابو الغار عسید تم بهادریان غله
ملک و سلطان و افاض علی الملین تبه و حسن و مانید من سلسله
قواعد القرآن منقسم کردیم برچ از زده باب باب اول
در بیان استعاذه و سلمه باب دوم در بیان خارج حروف باب سوم
در رعیت کردن خارج باب چهارم در بیان صفات حروف
باب پنجم در بیان حکام نون سکون و تنوین باب ششم در بیان تنقیح
ادغام باب هفتم در بیان تدریج باب هشتم در بیان نگارش
باب نهم در بیان تفخیم و ترفیق باب دهم در بیان تفتیح
باب یازدهم در بیان رسم الخط و طریقه قفیان باب دهم در بیان
خفیات را بیان علم منی ابو بکر حفصه رحمهم الله باب یازدهم در بیان استعاذه

و سلمه را که در استعاذه قرا خد ف کرد و نه که بطریق میسب کلف
بعضی گفته اند که استغنیه بانه شیطان الرحیم استغنیه بانه شیطان
الرحیم میسب کلف و بعضی اعوذ بانه شیطان الرحیم آن است
هو اسمع العلیم و بعضی اعوذ بانه اسمع العلیم شیطان الرحیم
و بعضی اعوذ بانه شیطان الرحیم ان الله غفور رحیم و بعضی اعوذ
بانه شیطان الرحیم ان الله غفور رحیم و بعضی اعوذ بانه شیطان الرحیم
و ضح نیست که بگویند اعوذ بانه شیطان الرحیم زیرا که در احادیث
صحیحین آمده است که استعاذه از قرآن نیست بجهت این بعضی
قراءت خوانند زیرا که قول صحیح است که بنده خوانند لقا
بنده چه و است خوانند لقا است است است است است است است است است است
نماز است و اما در نماز مطلقا است بخوانند و خوانند است است است است است است است است است است
از تلووت قرآن باید زیرا که هر چنان واقع شد در قرآن قوله

۵ قل فاذا قرأت القرآن فاستغفربه من الشيطان الرجيم اي
 اذ اردت قرأت القرآن فاستغفربه وخلف كره انه كنه استغافره و
 يا تحب بعض كنه كنه وحب وجمهور برانند كه متحب است واما
 بسمكه پس برانند نزدكهم اين سر و بعض صاحب ربيع است رحمهم
 اذ قرآن است و نزد جمهور عند اذ قرآن است و آيتي است اذ قرآن
 كه بعضي از مطلقه كه جزء آيت دانسته اند و خلف كرهه كه آيتي
 از فاتحه و در هر يك از جمهور صاحب ربيع است كنه آيتي است
 كه از بابت ترك و ترك از تركه فاتحه است و نه جزء سوره پس باني
 قدر در نماز بخيه خوانند و قول صحيح و معمر اين را در رس هم كه
 است كه هم آيتي است از فاتحه و هم آيتي است از سوره پس باني
 قول در نماز بخيه خوانند و قد غير صحيح و درست است جزء فاتحه
 و جزء سوره است بانه قرا سبعة اتفاق كه از هر چند سوره

قار

قرات سوره از سوره كنند بسمكه گویند كه سوره برآه زير
 و خبر است اين صاحب ربيع است كنه كنه كه رسول صلى الله عليه وآله
 و صحابه در اول هر سوره فرمودي كه بسمكه گویند و در اول برآه نفرمود
 از جهة آنكه بسم الله از جمله امان است و در برآه امان است
 كه در برآه فاقولوا المشركين حيث فجدتموهم و قاتلوا
 المشركين كانه و غير اينها كه دلالت ميكنند بر عدم تقاربت
 و در سري آيت مخير كه انيده اند در سبكه لفظ و نكفتن اما در
 آيت برآه خلف كرهه از شيخ بران آيتي صحيح رحمة الله گفته
 و اينها نيز مخير است و قد غلط است ترك بسمكه كنند و بر آنكه
 بيان قرا سبعة در سبكه لفظ و نكفتن بيان سورت قرات
 عاصم كه استاد ابو بكر حفص است رحمهم الله است بسمكه گویند و در
 جائز دانسته اند و چه اقرار و صد خبر سوره بسمكه و در سبكه

۷ نوره کبر و جزم وقف به هر دو وجهیم وقف بر خبر نوره و صد
 بسمله بضر انوجه اصل گفته اند و عکس وجه خبر ممنوع است زیرا
 که بسمله از برای اقرار سوره آئینده است از برای خبر سوره که نشانه و قرائت
 غیر لازم است ترک کردیم بجهت آنکه درینجا مایه تداول نیست باب
 دوم در بیان مخارج حروف به آنکه عده حروف تقصیر است
 و الا خارج است زیرا که مرکب است از لدم و الف و کلام ما
 درین بیان حروف مفردة است و همزه و اعراس و فرق بیان
 الف و همزه نیست الف حرکت دارد و نه جزم مانند ما و همزه
 کما بی حرکت دارد مانند الله و کما ای جزم مانند یا مرد و درین باب نهان
 عربیت به اختلاف بضر گفته اند که هر حرف از مخارج بیرون آید
 و بعضی گفته اند که مخارج است حلق و فم و لب و اکثر را
 که مخارج حروف تازه است و از مخارج حروف باقی حروف زاید

بر جیرون می آید تا خلق را به مخارج است اقفا و وسط و آدل و دعه
 اقفا خلقت نزد علم عربیت است یکم غره دیگر کاف و الف و زاید
 دهم گفته اند بس در نزد قرائت است اند و سوره کور و الف و از در حلق
 و حرف بیرون آید ع ح و از در حلق و حرف بیرون آید
 مخارج است و سیم حرف اقر مخارج است از اقفا بیان و اقفا کلام
 چهارم کت از اقفا بیان کلام با بدست سیم مخارج حش می آید
 و کلام است چهارم مخارج حش ازین ره زبان و کتب و از نزدیکی زبانهای
 که سر و از جانبین تلفظ می توان کردن گفت از جانب چپ آب تر شده و ابو
 ضمیر از غده از جانبین نیست اما اگر کرد از در بضر گفته اند که در تلفظ از آن
 در سینه که در حلق در در و در چین فیه پنجم ل از آخر زبان کلام با بد
 و ششم ن از سر زبان و زیر دندان با بدست نزدیک کلام با بد و از در
 چنانکه خواهد آمد به هم س از سر زبان و از درون دندانها با بد

۹ و مخارج نزدیک مخارج نون است هم ط د ت ز بر نون
 و پنج دندانها بر مدلت هم ط ذ ث از نیز سربان و ناره
 دندانها پیشین است و هم ص س من از نیز سربان دندانها پیشین است
 و لب و مخارج است و چهار حرف آخر مخارج ف از اندرون
 لب پین از طرف دندانها بر مدلت هم و ب م زین چ
 و دماغ یک مخارج است و حرف آن نون و سیم است بر ط سکون و خفا
 مانند عنک و پنج نزد هم قراست و اعلم بالشاکر نزد هم
 و اگر متحرک و نظره به در سابق و خد می شود و سب و هم با سیم
 در بیان رعایت کردن حروف به آنکه لمن بر چه نوع است خفا
 لمن چه خطا عرابی است یا زاده کردن چیز را کم کردن آن
 کلمه و مخارج ترک کردن مخارج حرفت غیر از مخارج حرف از مخارج
 بقر قرآن بر که میان ث و ص و ص و میان ذ

و ن و ح و ظ و میان ت و د و ط و میان ح و ه
 و میان ق و و ن تفرقه کند تا مخارج اینها خلط شود و دیگر آنکه
 که هر حرف از یک جنس آید خواه در یک کلمه مانند وجه و خواه در دو کلمه
 قطع علی بایه که آنجن تفتظ کنند که ادغام نشود بیک از میانین
 نشود و نیز در هر جای میان ح حرف قرب مخارج باشد
 و قطع خیرا بایه که جدا جدا تلفظ کنند و هم بایه که نرسد ادغام
 تا تحقیق گفته شود بر سهیل و گفته اند که نزد تلفظ همزه میباید که ف
 در حرکت آید و هر جا که همزه جمع شود مانند اندرتهم و با تود الله
 بایه که هر همزه میباید تلفظ کند که است لیا کرده نشود تا خطا
 نشود و ب را پس از حروف مفهم جدا بایه نشود که رقیق و نازک
 نشود مثل اظفر و بق و برق و بصر و ت را رعایت میباید
 نشود خاصه و قمر را که میباید شرفقت بیدار در حرف مفهم باشد

۱۳ مشاء صدق و بصدر و مانند صراط و نیک باید تا نقطه
تا هر سه حروف به تفخیم آید و وضو در اواخر هر حرف و رفتن بر زبان
باید که نیک رعایت کند تمش به خط یا ذال یا را و نشود خاصه و شد
ما نقص ظهرك و من حفظ بعض الظالم و بعض ذلهم و غرض
و بعض و ط را در اواخر حرف و رفتن به تفخیم نیک رعایت کنند
که تمش به تا و نکرد خاصه که برین سیر و تا مانند بسطت یا
پش و قطعون یا بعد از و شد و حاطت واقع شود باید که نیک
تلفظ کند و نیز در قسط و قسط و بسطت و حاطت یا خا
تلفظ کند که با وجو ادغام رعایت صفت طباق است و طاء
در رعایت تغل و هم ناکمه شود و طاء رعایت برین نموده
یا را یا ذال این نموده و خصوص قمر بعد از و تا باشد مانند
او حطت و ع را تفخیم باید کرد و لکر بعد از و غین واقع شود

دالیم

و اسم غیر باید که غم نشود و اگر شد دیشه نیک باید که آنگه مثل ۱۴
یعنون و دعا و دع و ع را نیک بر رعایت نمود تا خا
یا قاف آید نشود خاصه در شد و غن و غیر مخصوص و در غن
قلوب و خفا و ف و اظهر بر باید کرد تا قاف فارسی و یا بر نکر
خاصه فقر که بعد از و سیم یا یا باشد شد تا قاف صغیر و خف
وق سوم بر این چنان آید که صفت استعداد و سیر نشود و غن
این نموده تمش یا ف نشود خاصه فقر بعد از کاف باشد
خلق و خلق کمر شیه و ک و رعایت برین کرد تا کاف فارسی
که از کاف صما گویند کرد خاصه فقر که در شد شد کلمه
حرف همواره شد شد شد اول و قیو و نازک آید
خاصه در ج که بعد از حرف استعداد شد شد و ظر و صغ
و الصلوة و الخط و سبطم و جبراته و در شد جین و قینا و قلم

دعا

۱۵
 و قمر لغم و بل قلم و غلظه و ملجا و بر جبار و انخلد با بدینک رعایت
 و هم را چون ادان کند که مفهم شود خ صه و قمر بهر زمره مفهم باید
 شد مختصه و مرضی دانه و دیگر حکم دی غلظه که در آن سوره باید قطن
 که در لغز خ صه و قمر ساکن پنج خفا مواد نشود مثل المین و یونون
 و پنج مضموم و یا سوره و قطن باید کرد برده هر که نیک گفته شود شد قفا
 و دو هته و لغز و لغز خ صه و قمر که در او جمع شود و بدانکه اجتماع
 و این پنج نوع است اقرانکه و او اقران کنیز شد و هم متحرک و حرکت قمر
 اول در خبر و سر باشد از غم باید کرد شد او و زوهم و او و نصر و اقام
 لکه و او اقران کنیز شد و قمر وی مضموم باید انضمام ثقیل کرد تا در
 در اد کرده شود و نظما نیز باید کرد شد فاخته و دو هته و سیمانه
 قمر متحرک شد و هم ساکن و حرکت اول در خبر و سر باشد مثل یونون
 و در او چهارم لکه هر متحرک بهر دو حرکت و وضع و خد لغز و اقران
 لکه

۱۶
 لکه اول شد و باشد و تا متحرک شد با لغز و او اتصال و در جمیع ۱۶
 این انواع و او و لکب باید کرد اگر دو هر را سبب احتیاط نمود تا
 این نموده شود خ صه و قمر مقارن در حرف مقارن بود شد و عدله حقا
 و هم و سجه وی سوره قطن بر این بود که لطیف و سبب لکه کرد شد
 و بدانکه اجتماع بین در چهار صورت باشد اول لکه یا اول ساکن باشد
 و قمر و سر از خبری انظار باید کرد شد فی یوسف و فی یوم و یحیی
 یا لکه یا از ما ضمیر صه واقع شود شد لقوم یا قوم و دم لکه اول
 متحرک شد و هم ساکن و حرکت اول در خبر و سر باشد مثل یونون
 سیمانه لکه هر متحرک شد مثل فاخته چهارم لکه اول شد و تا
 متحرک شد و آن در یوم و در جمیع خصوصت هر چه بود در
 تحقیق ادا باید نمود و دیگر در سوره یوسف که تا در ده هته و نه
 بخوانند جمیع قرا اول لکه حرکت نون اقران خفا می کنند و اینها
 لکه

الکثر است و تمام آنکه اقرار در ثانی او غام بشام میکنند نیز مردوب
 است و بجهت نون میکنند و صین او غام میزد و بجهت ابجته
 است و پشتر او را در با نوجوه میکنند و بانه حروف بوف است
 برف لکری که از اینها بعد از میم کن باید از اظهار می کنند یعنی
 است و حرکت ضم کنند نزد نقط میم نند عظیم و لا تضالین
 و فاقم و جهک و هم فیها و قم فاندروما هم یومنین و فاحکم بینهم و اما
 دریا حذف کرده اند در اظهار و عدم اظهار باب چهارم در بیان صفات
 حروف بانه هر صفت را از صفات حروف ضمه می باشد پس هر صفتی
 که بیان کنیم ضمه و یا نیز یاد کنیم و اما همواره ده حرف است که است
 ح ح ص ش ص ف ک ه و هم در لغت او از خف ضعیف
 گویند و نیز در هر حرف ضعیف اعتماد و بوجو ر ج را اینها نزد او را اینها
 نیز نزد نقط اینها نفیر را بر نمیدارد از جبر این بجهت ضعیف همواره

نام کرده و ضمه و هم بوجو ر ج است پس نوزده حرف باقی باشد و ضمه
 شدید است و آب ت ج د ط ق ک شدت
 ج ت ر ت از حرف که قور شد که صورت با در ج را ر شد از غایت
 قوت و ضمه در رخت است و پنج حرف بیان شد و در ج
 س ع ل م ن پشتر نوزده حرف باقی خواهد بود و حرف ت را
 آوی بجهت آن حرف نده مگویند که نه در اینها شود و در غیر اینها
 نمی شود و ضمه اینها مقصوره است حروف مستعیده هفت است ح
 ص ص ط ظ غ ق استعد بجهت آن مگویند که نزد نقط اینها
 زبان مرتفع شود و بطرف باله و نه و ضمه در مستعیده است و حروف
 مطبقة چهار است ص ص ط ظ بجهت آن مطبقة مگویند و نزد
 نقط اینها زبان انجام باید منطبق می شود و ضمه این منطبق است حروف
 ضعیف است س ص ص ف ک ه و هم در لغت او از مرغر گویند

و بخروف را بجهت آن صغیر میگویند که در وقت تلفظ آنها اواز پیدا
 میشود و در پیش اواز خفیه است حرف فشریح است آن شش
 تفتی در لغت تاسع و آن را گویند و نزد تلفظ در اواز خطا میشود
 و پیش آن شود حرف مخففه است دل بجهت آن مخففه میگویند
 تلفظ آنها از مخفف خود مخفف میشوند و مخفف چون میرسد و از مخفف لازم
 و در اوصاف گوناگون است یعنی نزد تلفظ در کلمات که شد و میشود
 غایت قسما که در اوزد و حرف مستطیل است آن ض است بجهت آن
 مستطیل میگویند نزد اواز در زبان دراز کشیده میشود که مخفف لازم
 مستطیل شود حرف هوای یک است آن لف است و مادر و جزو
 میگویند هم یک مغز است بجهت آن هوای میگویند نزد تلفظ هوا
 در حروف علق چهار است و او بی بجهت آن حروف علق
 میگویند و تغییر و نقل میشوند از حال به حال از آن نزد علمای عربیت همزه

حرف علق میگویند حروف قلقله پنج است ب ج د ط ق
 و شهر تر از آنها قاف است و نیز در حروف گمرده اند بجد
 دیگر که قلقله بجهت آن نام کرده اند که در وقت ادا بر آنها گویا که غنیش دارند
 خاصه در حرکت که وقف کنند و نیز حرف قلقله در لغت حرکت در آن
 خبر نیست و خند در اینها بطریق تقابله معلوم میشود و آنچه شرح طبرقی
 گفته است از موصفات حروف نیست و دیگر اوصاف حروف
 است مثلاً لویه و اسیده و ذلقیه و شجریه و نمویه و لطیفه و غیر اینها یاد
 اینها را بجهت آن است که طبرقی هم علیه وجهه و در آن شرح است که اینها
 شهر نیست باینچیم در میان حکام نون کنونی و نیز بدانکه
 حروف بجز نون سکنه و نیز باینچیم و هشت است زیرا که الف
 خارج است و در میان نون سکنه و نیز نون سکنه بجهت آنکه اجتماع سکنه و غیر
 حده می شود و اما با الف همزه است که بی از حروف همزه است

خفا در حروف باقیه است پانزده است ت ث ح د ذ

ن س ش ص ض ط ظ ف ق گے نیز پیرا

نویسنده و خفا بر نگه دارند که از این حرف از نگه نگین می باشد

بیاید خواه در کس کلمه خواه در کلمه و شعر خفا است که نون کنی نمون شود

اداکتسه که نه ازها شود و نه ادغام بیکه حاصل شد میان این دو خال آنها

لست ظننم وزلوة تریدون شایسته و فرستقت و حکایت

ثُمَّ جَاءَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

اولی آنکه تسبیح و تاذیر خطه در شمش من ستر و من بکوه

فقره اوله

ففتش

فانظر الى خطي ومارجني ههنا

فصل فی بیان فضائل و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام

واللّٰهُ اَكْبَرُ وَاَسْمٰءُ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ حَاقَّةٌ

سکنین مانند نوح ابنه و ایما الذین و بعدلهم همه با ششم در بیان

متفقات ادغام از آنها به گفته ذال از راء در فوط ادغام میکنند

از دهر در اظلمه ابدال قدر اورد و دوت او غم کردند شد

قد رخصه و وثقه به انکه شطر قمره و الاقره که نه تا ماد و عجز زرد

قدسه قداا عتره محمد و آل محمد و مانند آنها خد شود پس

غیرت را برتر شمرده و در حدیثی که در این باب است

کتابخانه عمومی

ادغام میکنند هر طاعت میم و ابیت خود را و حالت ایستاده

و لدم و بد و هر دو دل و ساد عام هستند

وهرن و قریب و صریح و علم هر دو در این یک است و هر

که حرف این یک خبر جمع شود و اول هر شب و نای متحرک

و خواه در هر کلمه باشد شکر لکن نه عوصوا و کانونا لکن اگر اقل خبر
 ند باشد ادغام نکند شکر آتوا و عملوا و یوسف و در الم غلظم
 در آورده مسدودت جهو قرار ادغام نکند قاف را و کاف در تقار ^{صفت}
 استعدا حذف کرده اند و صحت عدم تقار است و بفر ظاهر را و جابر ^{مهرش}
 و این قبح ضعیف است و معنیست و ادغام لدم تعریف نیز از تقاضا
 ادغام است شکر التوریه و همزه که پیش از در است همزه و در است که
 آن آورده اند که ابتدا یک کسر معتد است پس اگر ابتدا نکند نفیجه ابتدا
 نکند کسبه تخفیف و پنج لدم در چهارده حرف غم میشود که نیست
 ت ت د ذ ز س ش ص ض ظ ل
 ن در چهارده حرف با ب ج ح خ ع غ ف
 ق ک م ن ه ی ی غم نمیشود و الف خارج بحث است
 زیرا که هم از لدم تعریف نمیشود کسبه آنکه جماع کین غیره نمیشود
 دانه

داشتند اینها طاهر است و امام عاصم رحمه الله در اینها اظهار نکند ۲۶
 هر در موضع کیم در کوزه عراف میست و نک ج ثاء میست و
 در اقل نک ادغام نکند و دیگر در کوزه بود یا نیز اگر یک بغا که
 اگر یک در میم بغا ادغام میکنند و غیره صم ادغام دارند و غیر این
 مواضع کی از اینها اقل است و شکر حرف ت ج د ن
 مس ص ادغام میکنند شکر از تیر او او ج و کم و او او او او او
 و او سمعتم و او صرفا و دیگر اقل است و شکر حرف ج
 ذ ر س ش ص ض ظ ادغام نکند شکر لقه جا کم
 و لقه ذ ر ا لقه ز ت ا و قد سمعتم و قد شفقنا و لقه صرف و لقه کل
 و لقه طمک و دیگر تا ثمت س که است و شکر حرف ت
 ج ز س ص ض ظ ادغام نکند جت ز ن ا هم و ثمت
 و ضمت صلوا هم و ثمت ز ن ا هم و ثمت سبع لوحه ص د ا

و کات ظالمه و دیگر دهم هر سه در انت حرف ت
 ث ن س ص ح ط ظ ن ادغام کنند شش مرتبه
 و هر قلم و هر ثوب و بزرین و بر تولد و بر صفا و بر طبع آن و بر طعم
 و بر سخن و بر نیکوئی و اما عیصم رحمه الله در همه اینها نظر میکند و غیر
 عیصم جمع از قرآ عشره ادغام کنند و دیگر ادغام حرف و خارج آنها
 نزدیک است شش لم کتب فاولیک فیصدلک و غدت
 و او شتم دیر و ثواب و غیر اینها است بعضی از قرآ عشره غیصم
 ادغام میکنند حاجت آوردن آنها نیست و بر آنکه اینها که درهم
 دینج باب رسید تقریب احوال و جواب دینج دینج توضیح بود
 که عنوان اینج باب در بیان تنقیحات ادغام است باب هفتم
 در بیان تدریس هر آنچه که کشیدن صوت است در حرف ت و دلین
 این حرف ت و دلین است الف و اما و او ساکنه قیاسیه مضموم
 بله

باشد و یا ساکن که قبضه می شود و اگر قید واد و یا ساکنین نفیج ۲۸
 باشد از ا ح ر ف این گویند و بسبب همزه است یا کسر یعنی
 تو طیم نام را نیز گفته اند اما در همزه بجهت آن ند می کنند همزه از حشر
 نیک را د اشود و در سکون بجهت آن ند می کنند که تارک اجتماع کین
 شود زیرا که تدریس بجهت حرکت داشته اند و در نام آن در حشر ند می کنند
 بعضی قرآ بجهت آنکه در تدریس کردن تو طیم شش صد می شود اما این نزد هم
 قرآ بمعهد و تحریف است پس اگر بعد از حروف همزه یا یه یا نه یا حشر
 اول آنکه حرف ت و همزه در یک کلمه یا در این دو تدریس می خوانند
 مانند جاء و سوا و چنین هم ند که در کلمه یا در این دو تدریس می خوانند
 شش از نزل و قالوا ان فی اقفا و اگر بعد از حرف تدریس یا نه یا حشر
 بر قسم است تدریس سکون اصی است و سکون حاضر اما سکون اصل
 بر سه نوع است نوع اول است در ادای سوره مرآید و در حروف

اجامه اند آتم و حتم و یس و این را تذوق است و تذوقی و تذوق
 اجامه کند و بهانه و اول بوز آل عمران همه قرائت را با آنه و صیغه
 ویم را حرکت فتح مردانه بجهت تقاضا سکین و سه وجهه جائز است و در آن
 یم که قصر و توسط و طهر است نوع حتم است که کس که از آن حرفت باشد
 و ثانی ندغم و این را صیرفان اجتماع سکین عاده منتهی شد الضایان
 و دایره و تاج و این را تذوق سکون غیر می باشد نوع سیم است که حرکت
 نقب از همزه باشد این تذوق و منقب و مبدل می باشد شد آن که اصل
 در آن لان بجهت همزه ثانیه را الف بوده است همزه ثانیه را
 بلف ل کرده اند بجهت طلب خفت پس تذوق بجهت اجتماع سکین
 و همزه و عطف نمی توان کردن بجهت آنکه کلمه استقامت متبیین شود
 بخبر در این نوع تذوق قرآن شمر جاد واقع شریعت و سب و نزد جمهور
 قرائت در التذکرین در سوره انفام و در اللان در سوره یونس و در
 با

یک در سوره یونس و دیگر در سوره نصر و نزد ابو عمرو و ثانی و حتمه ته هفت
 این شش تذوق و یکی التجر در سوره یونس و بدانکه نزد همه قرائت
 نوع وجه دیگر نیز جائز است از آنکه سید گویند سید و لغت آن
 گردانیدن است و در اصطلاح قرائت همزه یونان همزه و الف همزه
 و بیای همزه و او و فقط گردانیدن نیز این همزه که تسهیل کالف می کنند
 و از حرکت فتح باشد تسهیل کالی می کنند و اگر ختم شده باشد
 تسهیل کالو او و در نوع همزه فتح حرکت و در تسهیل کالف می کنند
 و در آن تسهیل می توقف بشین از قاری ثقه و شیخ شطرنجی
 تسهیل ابو عمرو و همه از همزه گفته اند که وجه اول اولی است و ثانی
 قسم در همین تذوق سکون که آن سکون ضریح و مراد از وی
 اینجا سکون و قسرت اجتماع سکین بجهت وقف می شود مانند آنکه
 که اگر وقف کنند بر هر جماع سکین می شود میان الف را در آن
 ۳۰

شسته صم

۲۰

۳۱ سه وجه جز داشته اند یکی تطویر و متوسط و نیم قصه و در
 اول صحت است و او را چنانکه شیخ رحمه الله اشارت کرده اند
 معمر در شطر بقوله عند سکون الوقف و همان است که مذکور
 شد از اول باب تا اینجا که شش قسم همه در حرف تدلین بود اما در
 لین تدبیر نوع است اقصر و فترت دوم غیر و قصه و هر نوع
 از هم تدسکونست زیرا که تدجبه اجماع ساکنین است و بجمله نیز نیست
 جمهور را اما نزد امام و شیخ رحمه الله بجمله نیز نیست و قرأت در بر خط
 دارد پس نیاوریم زیرا که درین بلد و قرأت امام عجم بخوانند پس پس آوردن
 آن فائده چندان ندارد و نوع اول نیست که بسبب وقف اجماع ساکنین میشود
 مانند الموت و غیر درین نوع سه وجه است که آن تطویر و متوسط است
 جز در معمر باشد و قصه را نیز جز در شسته اند و فترت نباشد بیان آنکه
 کنگره هم معمر باشد شش شش و بیوه یا غیر معمره چنانکه شش نوع هم

۳۲ تدبیر و فترت است که مخصوص لغو است و درین موضع پیش
 نیست که در دوره دریم که بعضی دیگر در دوره شور هم میگویند نوع
 دو وجه جز داشته اند که تطویر و متوسط است و اول را اولی گفته اند
 پس عطف می شد شش شد شش در حرف تدلین و در حرف لین
 و نیز میان لین و مقدر اقباض حاصم و بدانکه مدتها در مدتها
 مقدار چهار الف می کشند و دو آن مقدار الف باشند است از قار ثقه
 یا بقدر کشتان مثلاً که از بر سر الف می نوبت عقده کنند شش را از زلف
 و بهر سه هم سه در سه چهار الف چهار فترت عقده کند و علی هذا القیاس
 شش نیز چهار الف را الف می کشند و در تدسکون غیر و در نقلت الف
 و در سکون و فقر گفته شد سه وجه جز است طول سه الف متوسط و فقر
 می الف پنجمین است سکون و فقر حرف لین و در عین فو اتح گفته اند که عا
 طهر و الف متوسط و فقر گفته اند که طهر چهار الف و متوسط و فقر

۳۰ مکنند تا بدیه کل در ذریه پس اگر بعد از اینها همزه بیاید به منفصل
 میکنند آنکه که بدیه منفصل در زیر شریب ان یوحنا و ان و اگر
 پیش از این کسب بیاید صله نمیشوند بجهت آنکه اجتماع مکنین میشود پس بدیه
 باشد مانند به الله و الله التوکل و اگر با قبله ضمیر کن باشد و ما بعد
 در تحکیم صله نمیشوند مگر این کثیر در همه جا صله میکنند شریفه آیات و الیه
 جمیعاً و لن یموتوا ابداً و خضوا و حاصم در یک موضع موافق این کثرت
 آن فی همتا که در کون فرقان است و بدانکه برضه کم در کون در فرقان
 زیرا که صله وی برضاه بجهت است بجهت شرط افق است و ما
 نفقه در کون و ما لم نمنه در کون مریم و لم نمنه در کون علی ضمیر است
 بلکه در اصل کلمه است پس صله باشد باب هم در تحکیم و ترقیق منفرد
 مکن و خرد فقط کردن است بدانکه به قراءه الله و بعد از تحکیم یا ضمه تحکیم می کنند
 مثل اسم الله اما تفصیل در در صله در تحکیم نمیشوند شریب و کلمه
 در

۳۱ و اگر مکرر باشد ترقیق میکنند مانند رحمة و اگر کسب باشد عتبار
 حرکت با قبله میکنند پس اگر مفتوح یا مضموم باشد تحکیم می کنند مثل
 و اندازیم و رسل و اگر مکرر باشد ترقیق می کنند مثل لم تذکرهم و در
 موضع اول آنکه بعد از هر حرف از حروف استعلا بیاید شریب و حاصم
 در فرق زیرا که کسبه قبله قضا تحکیم پس رجوع صله میکنند صله در
 تحکیم است و بدانکه از حروف استعلا درین قاعده زیاده بر سه حرف
 نیامده است در قرآن کی ط در قراط و دیگر ص در مرصاد و ارحام
 دیگر در فرق و چهار حرف باقی که نخ ض ظ غ است در قرآن
 نیامده است اما در کلام عرب است مثل ارحام و حسان و ارجاع
 و ضرف مثل ظا نیاقم و بدانکه قراءه در تحکیم فرق مختلف کرده اند
 بعضی گفته اند که تحکیم می باید و بجهت آنکه که نشئت بعضی گفته اند که ترقیق می باید
 که در بجهت آنکه جانب ترقیق غالب است زیرا که راء مکن در میان

۳۹ رفع و جر حرکت دتوین رومی اندازند مثل عظیم و عظیم و در حالت ضم
 و فتح و کسر حرکت را می اندازند مثل قدر این و بولد و در حالت نصب حرکت را
 می اندازند و تونین را با قبل می کنند خواه تونین مرسوم بلف باشد مثل عظیم
 و خواه نباشد مثل نوح و هم روم است مراد از روم آنست که حرکت
 دهنده حرف موقوف علیه با و از خف و غش شود که هرگز در یک و ملحق
 باشد و این در ضم و کسر و رفع و جر بر حسب مثل قبل و بولد و عظیم
 و در جر و در فتح و نصب جایز نیست نزد همه قرا و شریک و حکمای اما
 امام حاکم سیبویه در همه موارد رقم را جایز داشته است نوع سیم ششام
 مغرور اینجا نیست بهر دلش که نیست در هر کلمه موقوف علیه در ذیل
 امکان هر کلمه باشد مثل غش و غش و کلمه دین و ضم و رفع می باشد پس
 مثل ستم و غرور و این و غیره می باید و احتم در می باید و روم بر
 است و بدانکه تمام مطلقا بر چهار نوع است اول آنکه ذکر کرده شد

دوم غلط حرف بحرف چنانکه صادر از ارشام می کنند خف و لفظ
 صراط و حمزه و کسره و ناند اصدق سیم غلط حرکت بحرف کسرت و قصد
 ضم کنند و کسر را انداختند مثل قبل و عظیم و جی این نزد کس و شام
 و در نزد نافع و ابن کلدان در بعضی موارد شریک و سیم و سیم چهارم
 حرکت را تمام می کنند مثل نعم و آن رجوع حرکت است بر وجهی
 باشد اما نزد وقف آنچه شیخ سباز در حجت به گفته اند شریک است هم
 طاح و ص لا اما م عدت وقف و ضم است که اگر اصل
 کنند مغرور باشد شود و بعضی گفته که خوف کفر است و ط عدت وقف
 مطلق است غیر تنقید یکی از روم و جواز در حضرت و غیره نیست و این
 در جلد می باشد که هر کلمه باشد و قطع کردن سخن در جواب باشد دارد
 کنند مغرور نشود و ج عبارت از جایز است می توان استادن
 و می توان گفتن اما استادن اول است و من عدد متجاوز است

ع
 مانه

۴۱ که ایستادن و نشستن مجزئ است اما نشستن اولی در حدیث مختص
 است اگر کسی نفس واقع شود میباید ایستاد و اگر نه در ولا عیارت
 از عدم وقف است که میباید ایستادن و اگر در کلمه باشد وقف
 کنند بر بیهوده کون آن که بود و صد و اگر آیت ه لا باشد
 نیز میباید نشستن اما اگر ایستادن عاده بود صیغیست و باینکه آن صورت
 جزم که بنویسند بجز حدیث است پس از آنها باشد میباید
 زیرا که حدیث در آیه قطع است از آن بر و اگر با و چیزی دیگر باشد از دم
 با جواز یا غیر آنها این تابع آنچه میسر باشد در وقف و عدم وقف و اگر پسند
 که فرق چیست میان آنکه لا باشد و میان آنکه هیچ چیز نباشد جواب
 میگوئیم که در آنها که لا باشد هیچ نوع جائز نیست ایستادن اما
 در آنها که هیچ چیز نیست وقف مضطر است میتوان کردن و اگر کسی
 شوهر میباید ایستادن و عاده بود صیغی کردن و باینکه سخن مختص
 وقف

۴۲ وقف زیاده که نه آن وقت نیست قس وقفه قلاصل
 صلیح آفاق عبارت از وقفه نیست بجز قرا و وقف که نه اما
 گفته اند اولی و حدیث است و قس عبارت از آنکه است و در اکثر صا
 صورت یک بنویسند و غیر سکت گفته شد و بجز صحت صورت
 بنویسند بنویسند بجز وقفه است بنویسند بنویسند اما بنویسند بنویسند
 مردار بنویسند ایستادن اولیست و قلا عبارت از آنست که بنویسند
 که وقف نیست و صلیح عبارت از وقف و حدیث بجز حدیث است
 وقف نیز توان کردن و صلیح عبارت از آنکه اولی است عبارت
 از آنکه آنکه بنویسند بجز حدیث است از آنکه نوشته باشد بنویسند بنویسند
 دیگر است که تعلیق بوقف ندارد اما در صا بنویسند بنویسند بنویسند
 آنها را هم بنویسند بنویسند بنویسند بنویسند بنویسند بنویسند
 پس باینکه میان کوفیان و بصریان فتنه واقع شده است در حدیث
 بصر

بعضی کس که موافق باشند در پنج عدست همه منوئینه و در هر دو
ایه عدست مع و اگر خداف باشد میان ایشان از برای کوفیان
همچو منوئینه و از برای بصریان در هر شش حب منوئینه و در هر
عشرب منوئینه تا فرقه شود میان جمیع و لب عدست است
که نزد بصریان سرایت نیست و به آنکه در اکثر مصنف صورتی وضع نموده
اول را در صمد منوئینه و ثانیه را در شتر دریا و ثالث را در صمد منوئینه و
چهارم را در شتر و پنجم را در صمد و ششم را در شتر و هفتم را در صمد و
در هر یک از این عدست شش آن سرعین ذکر کرده شد نحوه وضع و مع
از رکوع غیر این است تا آخر دفترهای قصص باشد و وجه تسمیه بر رکوع است
که در وقت قرائت در نماز اول و ثانی است در آن مواضع بر رکوع روزه
و دیگر گفته اند که اگر کسی نماز را در آن رکوع تمام کند بر وجهی است در سجده
از رکوع تا رکوع خواند در هر رکعت و این موافق مرآة البصائر است

و همچنین شنیده شد از استاد حجتیه و نقیست ابو عمر در شهر تبریز
در میان این طریق عمل کردند با باری هم در میان رسم انخط و
وقف بر آن بلکه امام عاصم تابع رسم انخط شریعت غیر آنچه که
ابو عمرو واقع شریعت بهمان طریق وقف میکنند و قصید همه رسم انخط
بطریق است و بعضی از آنها را ذکر کنیم که ضرور باشد که از آنچه نیست
تا این سخن در بعضی مواضع تا بطول و مکتوبت شد حرکت لغت
و مصیبت دقت غیر اینها پس امام عاصم اینها را با وقف میکنند یعنی
در وقف خط را در خطیای غیر استخوان و در غیر اینها که به مکتوبت
بهما وقف میکنند و در مواضع و ذوات و مهمات و ایت را
قبیل است غیر تا مکتوبت و با وقف میکنند و قیاس کن بر اینها نظایر
اینها را دیگر کاتبان توفیق در مرسوم بنویسند پس امام عاصم بنویسند
مکنند دیگر کلام جازه در چهار موضع جدا مکتوبت اول در سوره

۴۲ موضع در لونا بقعه و و اذکر العنت الله و در آل عمران و اذکر الله
 نعمت الله و در مائده استموا اذکر الله نعمت الله و در ابراهیم در موضع
 بذر الله نعمت الله لفرادان نعمت الله که صد و در سه موضع لونا
 نعمت الله و غیره نعمت الله و در فاطر اذکر الله نعمت الله و در طور
 نعمت الله و کلمه ابراهیم در هفت موضع در لونا آل عمران اذکر الله
 نعمت الله و در لونا یوسف هم موضع امرت العزیز ترا و در امرت العزیز
 الآن و در قصص امرت فرعون و در تحریم سه موضع امرت لوط
 و امرت لوط و امرت فرعون و کلمه شمس در پنج موضع در انفال ^{الذکر}
 لست الله بدين لست الله بدين و در مؤمنه لست الله بدين و کلمه لعنت الله
 موضع در آل عمران نعمت الله و در نور و امانه ان لعنت الله
 و کلمه معصیت در مجادله در موضع معصیت التبول و اذکر معصیت
 الرحمن و تناجوا و لفظ کلمه در پنج موضع در انفال نعمت الله رکعت
 در آخر

۴۸ در عرف و نعمت کلمه کبریا کبریا در یونس در موضع
 حق علیه کلمه کبریا کبریا یونون و در مؤمنه حق کلمه کبریا
 و کلمه قوت در قصص قوت عین و کلمه نبی در تحریم و کلمه
 امانت و کلمه فطرت در روم فطرت الله و کلمه شجره در رعد
 ان شجرة الزقوم و کلمه جنت در واقعه جنت نعیم و کلمه بقیت در هود
 بقیت الله و کلمه فیض در لونا یوسف در موضع فیض امانت
 منقطة و فی فیض امانت و احینا و کلمه آیت در لونا عیسی
 و براد آیت ابره و قالوا الولد انزل علیه آیت و کلمه عیسی در طه
 براد آیت حفص فتم علی بنیت سینه و کلمه امرت در حم سجده براد
 ابوبکر امرت مرططها و کلمه جهالت در در لونا سدرت جهالت
 صفه و اگر نه یک ترا کجیم خلقت الله تا خواهر بود و در کلمه
 که بود و الف مکتوب است در بعضی موضع و در لونا و باقی نه است
 کلمه

۵۱ میشود و در روز نهمین از آنجوه مکتوب باد است و صلوة و زکوة
 و حیاه و شکوة و متواه بود و مکتوب است که اگر مضایف بخیر نشیند
 باغشت شتر صداهم و بصدایک و صلوة و صلوة و حیاه و حیاه و حیاه
 در روزه طه باین نام مکتوب بنویسند نبیوم و دیگر کلمات است
 که هر دو او خوانده شود تا در کتابت بیاید و در است شتر داوود و یون
 و تون و در و الف و ن و یون و تون و تون و تون و تون و تون و تون
 که هر یک یک است مرکز همزه است در آن مخرج بر المیدین و در کس
 فخر و در کس و این در کس و در کس و در کس و در کس و در کس
 اجماع و در غیر اینها همزه هر یک است و در روز اول عمران او بنام
 همزه ثانی مرکز او در و در کس و فرائد است و در روز حق ادا
 عید و در روز قمر او قمر عید آنکه در هر همزه ثانی مرکز او در و در
 س و در کس و در الف یقین و در غیب س و در کس و در کس و در کس
 انفر

۵۲ کف و در تقوین شتر مکتوب است با الف زبانه شتر از یاد و دیگر کلمات است
 در چهار موضع در آن نام آنکه شتر سه دن و در شتر آنکه تون الرجال
 و در کس و تون آنکه تون الرجال و در کس و تون آنکه تون الرجال و در کس
 بیاید و دیگر کلمات است در هر موضع در هر آنکه تون الرجال و در کس
 افانین است و در آل عمران بیاید و کلمه افانین است و در روز انبیا
 خذف کلمه زبانه کلمه این در شتر و در کس و در کس و در کس و در کس
 و کلمه این ذکر تم در کس و در کس و در کس و در کس و در کس
 فخرهاست و در کس و در کس و در کس و در کس و در کس و در کس
 نیز نیست این در پنج موضع است در هر کس و در کس و در کس و در کس
 و در کس و در کس و در کس و در کس و در کس و در کس و در کس
 پنج المومنین و در هر روز بیاید و در کس و در کس و در کس و در کس
 اجماع و در کس و در کس و در کس و در کس و در کس و در کس

صلى

203

۵۲ و باقی موصولات از تقاطع خطوط معلوم شود و کبر مباح است
 بسیار است و در این جهت آنکه طول یک خط و فاصله چندین آن را در دایره
 و اگر خواهم در خط آنها بکنم پس رجوع کنم بقصیده را بنه شیخ شمس بر حقه الله
 باب از دهم در اختلاف راویان و هم که ابو بکر حفص است گفته
 کیفیت مصدر و وقف ایشان و بدانکه جهت اختلافات ایشان بیان کرده
 ضرورت نیست جهت آنکه اکثر آنها نیست و مشهور پس بیان میکنم بوضوح
 که کمال آنجا که غایت چهره شده و ذکر کنیم ضرورت آن است که جهت
 عموم فایده مقرره اخذ نموده است و آنچه تم و آنچه است هر دو مباح
 ابو بکر ذال بود و تا و از دعایم کند و حفص اظهار در دعاست و غنم
 و بنزدت و بنه آنها هر دو اظهار میکنند و از قمر آنچه تم و آنچه تم و جبر
 هر دو که واقع شود ابو بکر بفتح جیم و در وجهه مکتوبه یا مخرغانه بر وزن
 جهرش و حفص جبر سر خوانه بر وزن لیلی و میقال ابو بکر بر وزن
 فیلر

فیلر سر خوانه و حفص میقال بر وزن فعال همه بر تیه مخلصون و ۵۱
 ام تقولون ابو بکر بر خوانه و در مخلصون وقف میکنند و حفص بر خوانه
 و در مخلصون مصدر میکنند اگر خوانند که در مصدر و وقف داشتن
 نصیحت کنند پس اگر صدک است بدایت حفص باشد و در مخلصون
 نوسند بر حفص و طیار بر اسرار ابو بکر و در نقطه یا تقولون را بر
 نوسند زیرا که علامت روز وقف میباشد بر حذف صدک است
 در ذلک و اگر صدک است بدایت ابو بکر باشد باین خواه بود
 که نیز بنظر این را بر خوف خطوات پس پس از مخلصون است
 بطول و در آن مقرر و مقرر از واج و صیغه لازمه و هم ابو بکر بر رفع
 میخواند و حفص نصب و در از واج و وقف جایز است و علامت اول
 صله از بر سر هر مصدر و هم همان بوده اند که در این خلافت و در وقف
 و مصدر بیان راویان این خط است چنین تصریح کرده اند شیخ و دیگر

۵۹ رفته درین بوره و ربط و غلظت در عروق ابوبکر بعد
 مرغانه و حفص هر دو را بسین بخواند و ربطه در علم که درین بوره است و ربط
 الرزق هر جا که واقع شود هر چه بسین بخواند جز در این بوره فتعی
 در آن نعمتی که ابوبکر بخشنده کسره عین بخواند و کسره عین را خفا
 میکند بچشمت که از در بر تو میماند و حفص کسره تمام بخواند و کسره ابوبکر
 بنون در بر بخواند و حفص یا در بر و هر دو در غیر کلم که قهر وی است
 وقف میکنند فاذنوا لآل عمران در رضوان ابوبکر بضم را بخواند هر جا
 که باشد غیر من اتبع رضوانه در مانده و حفص کسره بخواند و هر گاه نیست
 روف و وضعت ابوبکر بصیغه متکلم بخواند در قهر و کسره اثر است و هر
 میکند و حفص بصیغه تانیث مرغانه در اثر و وقف میکند ابوبکر
 ذکر یا هجره محمد بخواند هر جا که باشد و ذکر یا اذل یا درین بوره نصب
 بخواند و حفص بضم بخواند هر جا که باشد ذکر یا اذل یا بیوکم فیهتم

روده ایک در دو جا ابوبکر بسون یا می خواند و حفص کسره یا صیده
 بخواند و اخذ تم میخون ریخون حج و یا فعلون فخر بخواند و قرح قرح
 بیوکم جمیعون رضوان قرح رضوان بنیتنه و لد تمون در بوره
 و بسون یوسر اذل البیت بنیتنه و حد کلم ابوبکر بصیغه
 مرغانه و در علم که صد میکند و حفص بصیغه مجرای بخواند و در علم که
 میگوید و وقف را حسن لغا ذکر کرده شد که نمون نوره و نصدید خلون
 یوهم بوره المانده رضوانه شان و در حکم شان رضوانه کسره را
 بدین لیک ابوبکر بسون یا دید بخواند و حفص بفتح یا بخواند و در آن
 فایض است ابوبکر جمیع کسره تا ما بخواند و حفص توحید و فتح یا و
 عقده عز الذین استحق عیدم الذلین ابوبکر بضم مجید و جمع اولین بخواند
 و حفص استحق عیدم الذلین بضم معرف و تثنیه بخواند و غیوب
 غیوب بوره الدنایم یصرف قنتم و لد کذب و کنون تعقلون و

۶۱ و خفته و کله را هر جا که واقع شود ابو بکر را بگوید و نیز بگوید اما می کنند
 یعنی می رسد به یکسره که نزدیک یکسره شود و اگر این یکسره پیش از آن واقع
 مثل رأی لغو در اثر شمر را در اما می کنند و نیز بگوید و وجه بخواند بقیه دیگر
 اما اگر وقف کند با مال را و نیز بخواند و جهاد واحد آن و حفص همه آنها
 بفتح بخواند در حین چهار و در آن استند زوایم المیت المیت و شجره
 آنها ابو بکر بود و وجه بخواند بفتح آنها با و صد در شجره و یکسره آنها با و شجره
 و حفص بفتح با صد بخواند پس شمر را در حجاب بصد و یوم شمر
 می خواند و آن یک خطوات مذکور در توره الاعراف مذکور در لقمان
 و در یحیی و غیره خفته است مذکور در طه و سمران و ناقص است
 یعنی شمر قال بن ام معذرة حفص بن عیسى بن راس بخواند و ابو بکر
 به و وجه بخواند که موافق حفص و دیگر نیز پس در آن جعفر تعقلون می کنند
 شکره سورة انفال رحی مومن که در کثرت و آن نه ابو بکر می خواند
 در اکثر

و در کثرت وقف می کنند و حفص بفتح آن و صد بخواند و بعد از آن ۶۲
 با و عام و یکسره استم اخذتم توره التوبة و رضوان شتر کم نصیر و رضوان
 انبوب معربا معصدا تک بر جون و رضوان حرف یا تقطع برفع
 رؤف سورة یونس علیه السلام اگر آن تذکر در باقی ط یفصل ابو بکر
 بنون بخواند و در باقی وقف مطلق می کند و حفص با صد بخواند و در باقی
 وقف می کند و در آن نفک ط مع الحیوة الدین ابو بکر برفع مع
 بخواند و در آن نفک وقف می کند و حفص بصب و صد بخواند المیت
 این بدهد و یوم شمر هم اجر بر یونیا و یونیم و یحیی و یحیی بن یحیی توره یحیی
 اگر آن تذکر در غنیمت اجر او تذکر در حلاله مجربها ابو بکر بضم هم و فتح
 بخواند و حفص بفتح و اما در او و بانه حفص در تمام قرآن غیر این اما نه از
 و هر بر اندان شود در انفسه ناما باقی و هر ذرا و اسحق یعقوب ابو بکر برفع
 یعقوب بخواند و در باقی وقف می کند و حفص بصب و در باقی صد
 می کند

سوره التوبة
 سوره یونس

سوره یحیی

۴
 مولانا یوسف علیہ السلام
 مولانا الزم
 مولانا کریم علیہ السلام
 مولانا اکبر
 مولانا شمس
 مولانا منیر
 مولانا احمد
 مولانا کمال

حضرت سید سجانه و نیز سکه بکنند در سورا در مرقه در سورا قیست ۳۴
در نون من راق و در سطفین در لام بل این در صحن وصل است آه درین
وقف بکنند در عوجا و مرقه ابو بکر درین مواضع سکه یعنی کند من لکنه و لکنه
ابو بکر بکون ال با شام کس نون به تشدید بخوند و حضرت در لقر و ال ختم
کرند و نون را بکنند در شانه ال با شام کنند و نون را به تشدید بفرم در
المجرمون جزوا المملک و ما نیه مع سر من افر لک لکنه لکنه لکنه
جزا استین سدا ردما آتوز اول بهزده سکه میخوانند و تنویر در مکت
کسید به بهجت تقاس کین در شانه خود و جبهه در دیکه لکنه بهزده سکه را کن میکنند
و دیگر لکنه بهزده قطعه محمد صخر خوانند بغیر قال آتوز و حضرت در هر بهزده قطعه
میخوانند و ابو بکر اول را بهزده کسره آتوز و لکنه و بهزده نیه یا قلب می کنند و
در نوع آتوز لکنه یک شتر اقد و دیگر بقطع بهزده محمد صخر و حضرت در هر
بقطع بهزده محمد صخر آتوز لکنه آتوز فین بهزده آتوز مریم علیها السلام بعض

مدرسة ابي بكر الصديق

۱۰۰

یا ذکره و عقیقت نسبت به تحتات قطعه خلون است حقیقتا عقیقت
 حقیقتا تفرقه آن سوره طه را و انوار ابو بکر گفت تفرقه را که کند درین
 وقف و حفص بفتح میخوانند و در صیر و صیر بفتح بقیه بفتح میخوانند
 هذا ان تلقف انتم حتمنا بیوم و لا تعمر و انک ابو بکر میفرمود
 و در تعمر وقف جایز کنند و حفص بفتح و در صدرا بفتح میخوانند ترش تا هم بود
 البقیه علیهم السلام قال رب انصر من عسرت را ان هنر و اف
 لتوصکم بخیر ابو بکر باین نون و شدید میخوانند و حفص بخیر میخوانند و برون
 و سکون نه و تخفیف جیم و ذکر یا و در امر الکتب و قال رب سوره الحج
 و لو لم یترد الی فانی لیاقون ثم افه ثم افه تا یحون لرؤف سوره
 عطاء اعطای تقیم مکرر شدیم متن تکرار و عطاء یصفون عالم الغیب
 برفع عالم الغیب میخوانند و در یصفون وقف میکنند و حفص بخفص
 میخوانند فائمه سوره التوریه کردن در ربع قمر الکا ذین ط و اما

سوره طه
 سوره انعام
 سوره انعام
 سوره انعام

ابو بکر

ابو بکر برفع نیز اربع اولین و انماست میخوانند و در اقبه وقف میکنند و حفص
 بنصب و در صدرا بفتح میخوانند و خطوات خطوات بیوتکم بیوتکم
 تذکره و غیره و در بیینات در سیر لوقه ابو بکر میفرمود بعد از یاد و در بی
 نوقد میخوانند و حفص بتشدید یا به همزه و نه که لوقه میخوانند بیوت سج
 له فیها باله و الاصل رجال ابو بکر بفتح میخوانند و در اتصال وقف
 میکنند و حفص معرب میخوانند و در اتصال میکنند بیینات و تقه
 ابو بکر بقیه ف و سکون یا میخوانند و حفص سکون ف و ک را به صدرا میخوانند
 کما تمکلف و لیسب لکم لیسب لکم ابو بکر شدت بنصب میخوانند و در
 و صدرا میکنند و حفص برفع ثلاث و دهف بفتح میخوانند بیوتکم بیوتکم
 بیوت بیوت بیوت بیوت بیوت بیوت بیوت بیوت بیوت بیوت بیوت
 بیوت سوره الفرقان فرجهما الذین را و یحیدر ابو بکر برفع محل
 میخوانند در قبه وقف میکنند و حفص بخیر میخوانند و در صدرا قبه دوم

سوره فرقان

در کرم

۶۷ بخشیم با قتلون ط فیما تطیعون ابوبکر یا سر خوانند و وقف قبر
 و حفص باد و صد قبر بخوانند تخت و شود از او ادعای اثنا و حفص
 له اعذاب یوم القیمة و یکده ابوبکر هر چه در آن بر فسخ بخواند در اثنا ط وقف
 میکند و حفص هر چه را بخیر و صد را تا سر خوانند فی هر هفتاد و باب ششم
 مذکور شد در زیارتنا و یقولون سوره اشعر اطعم تخت عقیق انتم
 و یقولون سوره یحییون یوتا سوره جبر الله الله لیسطافا کفایا
 الروح الدین سوره انهم طس را اما بخون و ما یقولون فیما انما له
 ابوبکر بکف یا امان سر خوانند در صد و وقف و حفص با ثبات
 مفتوحه در صد و در وقف و صد و در رکع انکه با وقف میکنند و دیگری
 یا مثل ابوبکر راه ملک یوتهم قرآن ما نکر دن اتوه یقولون سوره القصص
 طم را من الذنب مع الحنف سوره العنکبوت اولم یروا انهم
 مودة عینم انکم لا تون الفاحشه منجول و شود با یوت آیات

سوره اشعر

سوره یحییون

سوره القصص
سوره العنکبوت

۶۸ مرزبه ترجون سوره الرزم المیت المیت للعالمین اثنا من ضعف
 ضعف ضعفا ابوبکر هر سه بفتح ضاد میخوانند و حفص بوجه است
 کلی موافق ابوبکر بضم ضاد در هر سه و بدانکه حفص ختم را از صم رویا
 نمک است بلکه از قصید این مرزوق رویت که است پس قرائت
 عاصم فتح باشد پس چنین است در سیر سوره الفجر غیر علم و لا و تینا
 ابوبکر بر رفع تخته میخوانند و در علم وقف قبر میکنند و حفص تخته نصب
 و بعد با قدر بر او یا بنتر بنتر یا بنتر تخته ابوبکر توحید نغمه میخوانند و حفص
 و تون و حفص با جمیع خمیر و تونیر میخوانند سوره الفاتح الطون ابوبکر
 با ثبات الف میخوانند در حالت و صد و وقف و حفص بکف الف
 در صد و با ثبات الف در وقف و همچنین است خلف در الرمولد
 و استیلا که در آخر این سوره است للمقام میوتا را انهم یوت عینهم یوتون
 ذکر کرده شد این هم سوره استماعه اب من خیر الیم لکما الرج میگویند

سوره الفاتحه

سوره الفاتحه

سوره اعراف
سوره اعراف

بما نزل الله للفور و يوم نحشرهم ثم نقيض جبر الله الغيوب انما نزل
سورة المدد فراهيت اخذت ولو لولا آيات سورة يس
فون سين درود و اقران ادغام بخته مر کند در صدر و خفض باطلها
مخزنه تتریس ساد افترضا ط اعیون منشره ط و علمت
ابو کبر بکف ما علمت بخوزه و در شره وقف سینه و خفض با
ماء و صدر در من شره مر کند در کتاب ط یوبه آره است وقف صدر
جیز است و در شره از بهر هر یک از ابو کبر و خفض خر قرنا
باکت مکانهتم سورة اقصافات الکواکب لیسعون تناسنا
فراه نرحمن انما لقین الله ربکم و رب ابو کبر برض الله و ربکم رب
بخوزه در انما لقین وقف سینه و خفض نصب بر سره و صدر فیه
مخوانند تکرید سورة اقصاف و نجه غفق کان لے نوره ان
مکانهتم بخوزه سورة المؤمن حکم فاخته بهم نظیر آله الدخول

سوره اقصاف

سوره اقصاف
سوره المؤمن

فاطمة

فاطمة يدخلون ادخلوا ابو کبر بفتح همزه و ضم خا بخوزه و در صدر همزه
س قط سینه و خفض بفتح همزه و کسر خا بخوزه و در صدر همزه را سینه
سید خلون شرفا سورة السجدة هم لزمانه ابو کبر بتحقیق همزین بخوزه
و خفض تسهید همزه ثانیه سینه و خفض تسهید گفته شد فرمات سورة
یتفطرون نوثه ما تفعلون سورة الاحرف هم جبر انما نزل اقال اولیونهم
ولیونهم جبرنا سورة یجاد و تشبیه سورة الدخان هم عیون یغیوون
سورة ابریه هم یؤمنون همز اعداب من جبر الیم ابو کبر و خفض الیم بخوزه
و خفض برض و هر دو تکرید و حرکت کسر میه هر دو و صبر بجهت انقباض کینین
الصلوات لا و آء ابو کبر برض لواء بخوزه و وقف سینه بر قبر و خفض
بنصب و در صدر ما قبر تکرید و انچه همزه سورة الحاف هم یقبل حسن
و تبارک و تبارک سورة محمد صلی الله علیه و آله فقولوا هم ارهم رضوانه و یقولون
حشر نعم و نبو السلام سورة الفتح علیه له و رضوانا سورة ق مستنایم بقول

سوره السجدة

سوره الاحرف

سوره المؤمن

سوره ابریه

سوره الحاف

سوره محمد

سوره الفتح

سوره ق

سوره

۷۱ سوره الذاریات و عیون شد تذکر کردن سوره الطور و سوره صافات
 ابوبکر بصا و بخواند و بسین و حفص هم بصا و هم بسین بخواند سوره النجم
 و لقدر را بار بار و لقدر را سوره القدر عیوناً سوره الرحمن عز و جبر اللؤلؤ
 ابوبکر در وجه دارد فتح شین و کثر شین و حفص بفتح شین پس سوره الواقعة
 اللؤلؤ عربی است تذکر کردن اما مغربون سوره اکید را رؤف و منزل
 الحقیقین و الحقیقات و ضحوان سوره اکید را اشرف و انشراح و ابوبکر
 در وجه دارد در شین ختم و کسر در هر موضع و حفص ختم نهاد دارد در هر
 سوره اکثر بویتم در ضحوان رؤف سوره الحقیقین بفتح بر سر همه ختم نموده
 سوره الماعون یا یقون سوره المعلق بیوتین بیست و پنج بکره کثرت
 سوره التحریم و جبریر بصوحا و کتب سوره المملکت سعرا و حین سوره تون و اقام
 ابوبکر تون بود و او و اقام و اقام غنیه می کند در هر موضع و حفص اظهار می کند
 زینم طلالان کان دامل و بنین ابوبکر آن کان بود و همه خواند

سوره الذاریات
 سوره الطور
 سوره النجم
 سوره القدر
 سوره الواقعة
 سوره اکید
 سوره الماعون
 سوره التحریم
 سوره المملکت
 سوره تون
 سوره المعلق
 سوره المملکت
 سوره تون
 سوره المعلق
 سوره المملکت
 سوره تون

در این

۷۲ و در زینم وقف یکند و بنین و صد و حفص یک منزله بخواند و در زینم وصل
 می کند و بنین وقف سوره اکید و اما در یک تذکر کردن سوره الماعون لطف
 نزاع ابوبکر برفع ترانه بخواند و در نظر وقف جایز می کند و حفص بضم و جبر
 می خواند شبها و هم انصب سوره نوح علیه السلام بکسر سوره النجم بر اینه
 و آنه و آنه و آنهم که در سوره موضع است اقر آنها بر بنا صد الح و آنه تعالی
 و آخر اینها تمام شد ابوبکر بکسر ترانه بخواند و در هر یک اینها و در هر یک اینها
 آنوقت بخیر که اندر از حفص در حین ضرورت آن کس نفس است بکشد
 و آن را بضمیر قیر کردیم تا و آن را بضمیر خارج بوجه اوله و در تعلق و تعلق
 سوره المملکت بکسر ابوبکر بکسر ابوبکر بکسر ابوبکر بکسر ابوبکر بکسر ابوبکر
 و حفص برفع و وقف سوره المملکت و در هر یک و در هر یک و در هر یک و در هر یک
 ابوبکر را و ابوبکر بکسر و ابوبکر بکسر و ابوبکر بکسر و ابوبکر بکسر و ابوبکر بکسر
 ذال فتح منزله و سون ذال بر وزن اهدی بخواند سوره القیامه مزاج بکشد

سوره الذاریات
 سوره الطور
 سوره النجم
 سوره القدر
 سوره الواقعة
 سوره اکید
 سوره الماعون
 سوره التحریم
 سوره المملکت
 سوره تون
 سوره المعلق
 سوره المملکت
 سوره تون
 سوره المعلق
 سوره المملکت
 سوره تون

سوره

۷۲

وَاللَّهُ أَعْلَمُ

三

سورۃ نبأ

سورة التوبة
سورة التوبة

روح اللفظ
اللفظ

سودا
نظری

سورة العنكبوت

69

وما أدرك نوره إقارعه وما أدركك وما أدركك نوره إلهه وما أدركك

دایه الهج و الماب در بیان معانی قیاس برانکه معانی لغت

در اصطلاح قرائی است از خود و هر چه زیاد که پس از حدید واقع

یسیا که سن با عمر نام و هجران محمد لقبه نیز میگوید و مراد
معه جیش شریک و نه اکر از این جهت که در کتب حدیث آمده

قدوة الحق. بفرموده خداوند بزرگوار در قرآن مجید که از برای

معانی قرآن مجید موضوع است در توبه بقره است موضوع

150

دربستانها قرا بطریق نظم

رقم را وین خوش الحان این چنین وضع کرده اند بیان
 اول نشاء نافع بچو قالون ج و رش بدن
 دابن کشیده نبری من بوجناب فصیح زبان
 ح ابو عمرو ط بودی می نشان دان زبوی بدن
 لک ل ابن عامر شوم م آمدن ابن ذکوان
 ن بوجناب غمخته سیر حل بویک جمع فض نشان
 ف بوجناب خلف ضار ق خلا و قار فرسان
 رک زوش بوجناب ت عدت زمره رهران

درب قف غفران

است بنقد از بول انام سید بنای علیه السلام
 وقف غفران دست درون کرد باز شوی زهر کلام

اولیا دان بنائده اول سمعون خوان بپوره انعام
 فاستقا نیز لیتون غنقرب هر چه در سجده یافته است نظام
 پنج دیگر بپورا سین اول آثار هم بدن توبه ام
 نمیش لعب در قدنا تمشیر تو کنم اعلام
 عبد و ذ و شلم خاس کشت یقین عامر ش تمام
 هر که وقف نمود برین من ضمانش شوم بر ذریع

نوع دیگر از نقطه وقف غفران

وقف قرآن بود شت دگر ده از آن مجموع غفرانست بنوع دیگر

اولیا در مائده است سمعون انعام فاستقا لیتون در سجده بدن
 وقف کردن اسپر بر شوم غفران بوجناب در تارک نیز یقین غفران از زبان
 پنج دیگر بپورا سین تمشیر تو کنم اعلام
 وقف غفران بدست تمشیر تو کنم اعلام

۲۹ از رعد آید چنین نقیصه که جاقوتی خدایت شایم دارم در پیش جلال

